



(وظایف منتظران)

حجت الاسلام و المسلمین شهید نعمت الله پیغان

مؤسسه فرهنگی - هنری عرشیان کویر
با همکاری بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود(عج)

بسم الله الرحمن الرحیم

خورشید پنهان

نویسنده:

رضا لکزایی

ناشر چاپی:

بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود (علیه السلام)

ناشر دیجیتالی:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

خورشید پنهان

مشخصات کتاب

عنوان و نام پدیدآور : خورشید پنهان/رضا لکزایی

مشخصات نشر : قم: بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود (عج)، ۱۳۹۱.

مشخصات ظاهری : ۱۰۸ ص.

وضعیت فهرست نویسی : در انتظار فهرستنویسی (اطلاعات ثبت)

شماره کتابشناسی ملی : ۴۳۵۷۷۹۸

ص:۱

اشاره

خورشید پنهان

(وظایف منتظران)

حجت الاسلام و المسلمین شهید نعمت الله پیغان

به کوشش رضا لک زایی

مؤسسه فرهنگی - هنری عرشیان کویر تاسوکی

با همکاری بنیاد مهدویت

خورشید پنهان

مؤلف/ حجت الاسلام و المسلمین شهید نعمت الله پیغان

ناشر/ بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود(عج)

طراح جلد و صفحه آرا/ عباس فریدی

نوبت چاپ/ اول _ بهار ۹۱

شمارگان/ ده هزار نسخه

بها/ ۱۴۰۰ تومان

مراکز پخش:

۱. قم: مرکز تخصصی مهدویّت/خیابان شهدا / کوچه آمار (۲۲)/ بن بست شهید علیان

ص. پ: ۱۱۹-۳۷۱۳۵ / تلفن: ۷۷۳۷۸۰۱ /فاکس:۷۷۳۷۱۶۰

۲. تهران: بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود(عج) / تلفن: ۴-۸۸۹۹۸۶۰۱ / فاکس: ۸۸۹۸۱۳۸۹ / ص. پ: ۳۵۵-۱۵۶۵۵

WWW.IMAMMAHDI۳۱۳.COM

info@imammahdi-s.com

شابک: ۳-۳۸-۶۲۶۲-۶۰۰-۹۷۸

ص:۲

بسم الله الرحمن الرحيم

ص:٣

فهرست

پیشگفتار

«سلام بر زندگی و حیات، سلام بر شور و نشاط، سلام بر غربت افرادی که همواره تنها زیسته اند و سلام بر آنهایی که سر بر سنگ بیابان گذاشته اند و غریبانه و بی کس از جور و ستم نامردان جان سپرده اند، و سلام بر مردان نیک خدا و سلام بر ائمه و سلام بر حضرت ولی امر عجّل الله تعالی فرجه، آن عاشق بزرگ.»(۱)

یا رب آن آهوی مشکین به ختن باز رسان

وان سهی سرو خرامان به چمن بازرسان

دل آزرده ما را به نسیمی بنواز

یعنی آن جان ز تن رفته به تن بازرسان

از حضرت ولیّ عصر(عج) سخن گفتن، همیشه شیرین و دلنشین و حرکت زا و امید آفرین است، به ویژه آنکه سخنگویش کسی باشد که خود در راه تبلیغ اسلام ناب محمدی صلی الله علیه و آله و سلم، پا بر سر جان خویش گذشته باشد و شربتی شیرین از باده شهادت نوشیده

۱- فرازی از دست نوشته شهید روحانی تاسوکی، حجت الاسلام و المسلمین نعمت الله پیغان.

باشد؛

با صبا در چمن دهر سحر می گفتم

که شهیدان که اند این همه گلگلون کفنان

کتاب خورشید پنهان، به خامه استادی نگاشته شده که در حال گذراندن مدارج بالای حوزوی و دانشگاهی بود و در عین حال برای انجام وظیفه مهم تبلیغ و تعلیم و تربیت، در مناطق و سطوح مختلف در حال تلاش بود.

خداوند استادم و تمامی شهدا را غریق رحمت کند و برتر از اخلاص آن شهید سعید را به ما ارزانی دارد.

امید است که کتاب خورشید پنهان که به احتمال قوی از حدیث معروفی که امام زمان(عج) را به خورشید پشت ابر تشبیه نموده، اقتباس شده، برای تمامی گروههای سنی مفید باشد.

کتاب حاضر در هفت فصل کوتاه، اما پرمحتوا سامان یافته است. جذابیت، اختصار و مفاهیم بلندی که از احادیث معصومین علیهم السلام نشأت گرفته باعث می شود که خواننده بی آنکه احساس خستگی و کم حوصله گی کند، کتاب را چونان شربتی شیرین تا آخر سر بکشد.

در فصل اول، درباره اهمیت شناخت امام

ص:۸

یعنی نخستین و کلیـدی ترین وظیفه ای که هر شـیعه منتظر و دلـداده در مورد امام خویش دارد، و در روایاتی متعدد هم بر این معنی تأکیـد شـده است، آمـده و سـپس راجع به مفهـوم پرشور و حرکت آفرین انتظـار و چشم به راه بودن حضـرت اباصـالح المهدی سخن گفته شده است.

پس از معرفت، نوبت محبت است؛ از این رو در فصل دوم از ضـرورت عشق و محبت و مودت نسـبت به امام عصر _ عجل الله تعـالی فرجه الشـریف _ بحث شـده و در ادامه راههایی که منتهی به منزل دوستی با امام حاضـر ناظر می شود، نشان داده شـده است.

شرط محبت وفاست، و در فصل سوم ابر سخن در وادی با طروات وفا و میثاق و عهد و پیمان باریدن گرفته است.

پس از تحکیم پیمـان، نوبت پاکی درون است که در فصل چهارم با عنوان خودسازی به آن پرداخته شـده است. در وادی وفا، آراسـته و پیراسته باید وارد شد، آراسته به خوبی ها و پاکی ها و و پیراسته از بدی ها و تیرگی ها. باشد که گذر از پل پاکی و خودسازی ما را به محضر آن پاک طینتِ پاک

نهاد، رهنمون شود.

بعـد از خودسـازی، و بلکه همراه خودسـازی، دیگرسازی و تمـدن سازی و دعوت است. دعوت کردن مردم به آن حضـرت از مهمترین طاعـات و واجب ترین عبـادات است و بر مسـلمین لازم است که تمـام سـعی و تلاش خود را بنماینـد تا در همه ابعاد علمی و عملی و معنوی پیشرفت کنند تا موجبات ظهور حضرت ایشان هر چه زودتر فراهم شود.

در فصل شـشم دوباره به انتظار پرداخته شـده است. آن انتظار ابتـدای راه بود و این انتظار پایان راه. انتظار ضـد یأس و ناامیدی است، پس هر چه انتظـار شدیـدتر باشـد آمـادگی و مهیا شـدن قوی تر خواهـد بود. چنان که هر چه محبت شدیـدتر و دوستی بیشتر باشـد مهیا شدن برای دیدار محبوب زیادتر می شود و فراقش دردناک تر. بنابراین مؤمنی که منتظر مولایش باشد هر قدر که انتظارش شدیدتر باشد، تلاشش در آمادگی برای آن به وسیله پرهیز از گناه و کوشش در راه تهذیب نفس و پاکیزه کردن درون از صفات نکوهیده و به دست آوردن خوی های پسندیده بیشتر می شود و بی تردید، هر چه انتظار بیشتر باشد

ص:۱۰

صاحب آن، مقام و ثواب بیشتری نزد خدای عزوجل خواهد داشت. به این ترتیب این انتظار، تمامی منزل های قبلی را به همراه دارد. گویی طوافی را به پایان رسانده ای وقتی که در مقصد به مبدأ رسیده ای.

و در فصل پایانی از پایان یافتن انتظار و تشکیل حکومت جهانی حضرت حجت می خوانیم که به یاری خداوند جمهوری اسلامی ایران و شکوفه بیداری اسلامی که اکنون شکفته شده، مقدمه آن حکومت سراسر نور است.

امیدواریم به زودی آثار دیگری از شهید روحانی تاسوکی و گلچینی از دست نوشته های این شهید عزیز و سعید را به علاقمندان راه حقیقت و هدایت تقدیم کنیم.

برخی از عناوین مقالات منتشر نشده ایشان عبارتند از: انسان کامل از دیدگاه عرفا، بررسی مسأله شر، توحید عبادی و شبهات وهابیت، آثار ایمان به معاد و انکار آن، بررسی مسئلۀ رؤیت، تأملی در احادیث اثنی عشریه، بررسی اجمالی عقاید اسلامی، وظایف منتظران، تدوین و تطبیق احادیث حیا، نظریه استعمال در مباحث اصول آیت الله صدر،

ص:۱۱

تقسیمات الفاظ از حیث ظهور و خفا، معرفی کتاب اوائل المقالات و.... گفتنی این که کتاب «عوامل و موانع انسجام اسلامی از دیدگاه قرآن کریم» از این شهید سعید به همت دانشگاه زابل پیش از این منتشر شده است.(۱)

ضمن قدردانی از تلاش بنیاد مهدویت استان سیستان و بلوچستان به خاطر انتشار اثر حاضر، بر خود لازم می دانم از خانواده محترم شهید پیغان که اصل مقالات و دست نوشته های شهید را در اختیار اینجانب گذاشته اند؛ از مجمع جهانی اهل بیت علیهم السلام به ویژه مدیر کل روابط عمومی، جناب حجت الاسلام و المسلمین سید علیرضا حسینی عارف، که در آماده سازی و انتشار مقالات شهید روحانی تاسوکی از جمله بخش هایی از همین کتاب را در خبرگزاری اهل بیت علیهم السلام فراهم نمودند، و نیز با تهیه ویژه نامه و انجام مصاحبه و انتشار اخبار صحیح، سریع و دقیق تا حد زیادی مظلومیت رسانه ای شهدای

۱- نعمت الله پیغان، عوامل و موانع انسجام اسلامی از دیدگاه قرآن کریم، به کوشش مهدی لک زایی، قم، مؤسسه بوستان کتاب، ۱۳۸۶.

فاجعه تروریستی شرق کشور، از جمله شهدای فاجعه تروریستی تاسوکی را برطرف کردند، تشکر کنم. از همکارانم در مؤسسه فرهنگی ـ هنری عرشیان کویر تاسوکی که با مدیریت دکتر شریف لک زایی، چند روز پس از فاجعه تروریستی تاسوکی فعالیتشان را در بی نامی و گم نامی آغاز کردند و مظلومانه و مجاهدانه حرکت الهی شان را ادامه دادند، تشکر و قدردانی کنم. همچنین از آقای مهدی لک زایی که آماده سازی اولیه این اثر را بر عهده داشتند، تشکر می کنم. از همسر و فرزندم که همواره در راه تحقیق و پژوهش یاری گرم هستند تقدیر و تشکر می کنم. اینک متن کتاب، پس از آنکه آیات و روایاتش با متون اصلی مقابله شده و برخی تیترها توسط نگارنده بازنویسی و به همراه محتوای متن، ویرایش شده است حضورتان تقدیم می شود.

و الحمدلله رب العالمین

رضا لک زایی

یازدهم آذر ماه ۱۳۹۰

مقدمه

بی تردید امامان معصوم پس از رحلت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم بهترین الگوها و اسوه ها در صحنه های زندگی فردی و اجتماعی و سیاسی هستند. امامان معصوم علیهم السلام که ادامه دهنده و در واقع تکمیل کننده راه پیامبر اعظم بوده اند، همه در راستای هدفی واحد و مشخص که همان بیان احکام و تعالیم اسلامی بود گام برداشته اند. اما بر حسب اوضاع و احوال و شرایط اجتماعی، سیاسی جامعه موضع گیری های متفاوتی داشته اند.

با رجوع به اوضاع و احوال امامان مشخص می شود که هرکدام با توجه به امدادها و الهامات غیبی الهی سیره خاصی را در پیش گرفته اند. برخی از آنان با دشمن صلح نموده، برخی دیگر جنگ؛ یکی از امامان مرکز علمی تأسیس کرده و به پرورش شاگردان پرداخته؛ دیگر امام همام در شعاع دیگری گام برداشته و امامی دیگر خلافت کرده و دیگری پیشنهاد ولیعهدی و خلافت را به اجبار پذیرفته است. در این میان اوضاع و احوال و اتفاقات زمان امام حسن عسکری علیه السلام و به خصوص جانشین

ص:۱۴

ایشان بسیار متفاوت از دیگر امامان است.

با توجه به خفقان و فشارهایی که به ویژه از زمان امام نهم به بعد بر اهل بیت وارد گشت و گسترش یافت، باعث شد که فعالیت های امام یازدهم و دوازدهم به حداقل برسد و زمینه مساعد جهت استفاده و بهره مندی از امامان در جامعه فراهم نشود. لذا حکمت الهی در مورد امام دوازدهم متفاوت از امامان دیگر رقم خورد. خواست و اراده خداوند بر این تعلق گرفت که «او» تا زمانی که آمادگی و زمینهٔ لازم در جامعه پیش آید، غیبت کند.

غیبت آخرین امام دلایل خاص خود را دارد. یکی از این دلایل حفظ دین خدا و دیگری آزمایش مردم است؛ – که از سنت های ثابت الهی بوده – دلیل آزمایش هم انتخاب و شناختن صالحان و گزینش پرهیزگاران است. بی تردید غیبت امام عصر یکی از مصادیق آزمایش الهی در عرصه ایمان، اعتقاد، صبر و انتظار بندگان است.

با توجه به آیات و روایات، ظهور آخرین منجی فرا می رسد و این وعده الهی است برای بندگان و چون وعده و خواست الهی است لذا

ص:۱۵

هیچ گونه خطا و خلف وعده در آن راه ندارد. اما این که زمان ظهور کی است؟ کسی از آن آگاه نیست.

«حضور او» و سپس «ظهور او» وظایفی را برای ما رقم زده است؛ نوشته حاضر تلاشی است در جهت بر شمردن این وظایف و در بردارنده فلسفه انتظار و علت غیبت حضرت؛ امید می رود مورد استفاده منتظران آن حضرت قرار گیرد.

فصل اول: شناخت امام و مفهوم انتظار

اشاره

ص:۱۷

شرح حالی از امام

دوازدهمین پیشوای معصوم و آخرین وصی پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله و سلم در سپیده دم جمعه نیمه شعبان سال **۲۵۵** یا **۲۵۶** هجری در سامرا چشم به جهان گشود. پیشوایان معصوم بنا به دلایلی شیعیان را از ذکر نام آن حضرت نهی کرده و همین قدر فرموده اند که او همنام پیامبر اسلام «محمد» و هم کنیه آن حضرت «ابوالقاسم» است. مشهورترین القاب آن حضرت(عج) «مهدی، قائم، حجت، بقیه الله» است.

پدر گرامی اش امام حسن عسکری علیه السلام یازدهمین امام و مادرش جناب نرجس، دختر یشوعا پسر قیصر روم و از نسل شمعون یکی از حواریون حضرت مسیح علیه السلام است و به نام های

ص:۱۸

ریحانه، سوسن و صیقل هم از او یاد کرده اند.(۱)

ضرورت شناخت حقیقی امام

اولین و مهمترین وظیفه ای که هر شیعه منتظر در مورد امام خویش دارد، به دست آوردن معرفت و شناخت نسبت به آن امام است و در روایات متعدد به این مطلب تصریح شده است؛ از جمله پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله و سلم فرموده اند: «هر کس بمیرد و امام زمانش را نشناسد به جاهلیت مرده است.»(۲) پس در هر عصری شناخت امام آن زمان امری لازم و ضروری است و پس از آن، اطاعت از امام واجب می شود. در دعای بعد از زیارت آل یاسین می خوانیم:

«خدایا! درود بنویس بر ولی خود و فرزند اولیائت، که اطلاعت آنها را بر خلق لازم و فرض گردانیدی و حق آنها را واجب کردی.»(۳)

بر همین اساس هر کس که اطاعتش

۱- البته اقوال دیگری نیز درباره نسب مادر حضرت وجود دارد که برای آگاهی به کتب مربوطه مراجعه شود.

۲- بحار الأنوار، ج ۱۰، ص ۳۵۳.

۳- مفاتیح الجنان.

واجب باشد باید صفاتش را شناخت تا با شخص دیگری که به دروغ مقام او را مدعی است اشتباه نشود، بنابراین شناخت و دانستن صفات حضرتش واجب می باشد.

شاهد این مطلب، اهتمام پیامبر و ائمه علیهم السلام به بیان نمودن صفات و ویژگی های خاص آن حضرت در هر زمان می باشد که او را حتی از امامان متمایز می نماید تا چه رسد به مردم دیگر. پس شناخت امام لازم است و این شناخت جز به دو امر حاصل نمی شود:

اول: شناخت شخص امام علیه السلام به نام و نسب.

دوم: شناخت صفات و ویژگی های او.

در زیارت جامعه کبیره می خوانیم:

«فَبِحَقِّهِمُ الذی أوجَبتَ لهم علیکَ أسئلُکَ اَن تُدخِلَنی فی جمله العارفین بهم وَ بِحَقِّهِم؛ خدایا! پس از تو می خواهم به آن حقی که برای ایشان بر خود واجب کردی که مرا در گروه عارفان مقام به حق آنها قرار دهی.»(۱)

بنابراین باید معرفت را از خداوند درخواست کرد:

«چرا که علم، فقط با آموزش و درس

۱- مفاتیح الجنان.

خوانـدن نیست، بلکه علم نوری است که خداونـد در دل هر کسـی که بخواهد هدایتش کند قرار می دهد و هر که را خداوند هدایت کند، هدایت یافته است.»(۱)

در کتاب کافی به سند خود از محمد بن حکیم نقل کرده است:

به امام صادق علیه السلام عرضه داشتم معرفت ساخته کیست؟

حضرت فرمود: «از ساخته های خداوند است، بندگان را در ساخت آن بهره ای نیست.»(۲)

پس بر بنـدگان لازم است که از درگـاه خداونـد شـناخت و معرفت امام زمانشان را بخواهنـد تا آن را برایشان روزی نمایـد و کامل گرداند.

هنگامی که شـناخت و معرفت درباره آن حضـرت کسب شد، باید امامت و پشوایی آن حضـرت به طور کامل مورد قبول واقع شود. در روایات متعدد انسان بر حذر داشته شده از

۱- مکیال المکارم، ج۲، ص۱۷۲.

۲- اصول کافی، ج ۱، باب لزوم الحجه، حدیث دوم، ص ۴۷.

اینکه امامت حضرت مهدی(عج) را انکار نماید، چنان که در حدیث آمده است:

«مَن کَذَّبَ بِالمَهدِی فَقَد کَفَر؛ هر کس حضرت مهدی را تکذیب نماید کافر شده است.»(۱)

و نیز در حدیثی دیگر است:

«مَن اَنکرَ خُرُوجَ المَهدِی فَقَد کَفَرَ بِما اُنزِلَ عَلَی محمد؛ هر کس خروج حضرت مهدی(عج) را انکار نماید پس همانا کافر گشته است به آنچه بر حضرت محمد صلی الله علیه و آله و سلم فرود آمده است.»(۲)

مفهوم انتظار

در معانی انتظار آمده است: انتظار یعنی چشم داشتن و چشم به راه بودن. چشم داشت یک تحول، یک رویداد خوب، یک گشایش و... یا چشم به راه آینده مطلوب، چشم به راه یک عزیز سفر کرده و یا چشم به راه یک منجی.(۳) به این معنا انتظار مفهومی است که با نهاد

۱- مکیال المکارم، ص۱۰۴.
۲- چهل حدیث پیرامون یوسف زهرا علیها السلام، ص۹۲؛ به نقل از منتخب الأثر، ص۱۴۹.
۳- انتظار، بایدها و نبایدها، چاپ دوم، ص۹.

همه انسان ها عجین شده است و می توان گفت که همه انسان ها به نوعی منتظرند.

انتظار، امیـد به آینده را در انسان زنده نگه می دارد و انسان را وادار به حرکت و تکاپو و تلاش می نماید. اگر انتظار نبود امید معنی نداشت، از این رو است که در روایتی از پیامبر آمده است:

«امیـد برای امـت من مـایه رحمت است و اگر امیـد نبـود هیـچ مـادری فرزنـدش را شـیر نمی داد و هیـچ باغبـانی درخـتی نمی کاشت».(۱)

با توجه به اهمیت انتظار و نقش امید بخش این مفهوم در زندگی، تلاش مکتب اسـلامی از یک سو فضـیلت بخشیدن به انتظار گشـایش و امیـد به آینـده و از سوی دیگر نکوهش یـأس و ناامیـدی و از بین بردن کسـالت و دلسـردی در جامعه اسـلامی می باشد. چنان که قرآن کریم ناامیدی از رحمت خدا را از ویژگی های کافران بر شمرده است و می فرماید:

«لا یَیْأَسُ مِنْ رَوْحِ اللَّهِ إِلَّا الْقَوْمُ الْکافِرُون؛ جز گروه کافران کسی از رحمت خدا نومید

ص:۲۳

۱- بحارالانوار، ج۷۷، ص۱۷۳.

نمی شود.»(۱)

در واقع در اینجا ناامیدی که از آن به کفر یاد شده همان دلسردی و یأس از حرکت و تکاپو که نیاز انسان و جامعه انسانی است می باشد. این آیه انسان را دعوت به تلاش و حرکت می کند و در واقع مهمترین نکتهٔ آیه حرکت و تلاش و امید است.

انتظار فرج نیز با توجه به آیات و روایات دارای همین ویژگی ها است. انتظار فرج، امید به آینده و حرکت و تلاش انسان ها را برای ساختن جامعه ای خوب نوید می دهد.

۱- سوره یوسف، آیه ۸۷.

فصل دوم: عشق به امام

اشاره

ص:۲۵

چرا عشق به امام واجب است؟

یاد نمودن فضایل آن حضرت(عج) کاری اختیاری است که مورد تشویق و ترغیب ائمه معصومین - علیهم السلام - قرار گرفته است و این مضمون در ادعیه نیز آمده است.(۱)

در دعایی که بعد از زیارت آل یاسین آمده می خوانیم: «وَ اَن تَملَاَ قَلبِی نُورَ الیَقِینِ... وَ مَوَّدَتِی نُورَ المُوالاهِ لِمُحَمَّدٍ وَ آلِهِ علیهم السلام حَتَّی اَلقاکَ؛ خدایا! از تو می خواهم که سینه ام را از نور دوستی محمد و آل محمد، سرشار کنی، تا آن زمان که تو را ملاقات کنم.»(۲)

در اینکه محبت تمام ائمه علیهم السلام و دوستی شان

ص:۲۶

۱- ر.ک: تکالیف الانام فی غیبه الانام.

۲- مفاتیح الجنان.

بخشـی از ایمان و شـرط قبولی اعمال است شـکی نیست، ولی در اهتمام به محبت مولایمان حضـرت مهـدی(عج) خصوصـیتی است که سبب شده به طور خصوص به آن امر گردد و این به دو جهت است:

۱- عقـل حکم می کنـد که حضـرت را دوست بـداریم، چون تمام نعمت ها و عنایات بی پایان خداونـد به واسـطه و به برکت وجود مبارک مولایمان ما را در برگرفته است.

۲- روایات نیز می رساند که محبت و دوست داشـتن آن حضـرت لازم است. سـید محدث بحرانی در کتاب غایه المرام به نقل از نعمانی به سند خود از رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم روایت کرده که ایشان فرمود:

«خداونـد در شب معراج به من وحی فرمود: ای محمـد! چه کسـی را در زمین بر امتت جانشـین کرده ای؟ و حـال آنکه او بهتر می دانست. گفتم: ای پروردگار عموزاده ام را. فرمود: علی بن ابی طالب را؟ گفتم: آری پروردگارا. فرمود: ای محمـد! من به زمین نظری افکنـدم پس تو را از آن برگزیـدم، پس اینکه تو با من یاد شوی من محمود هسـتم و تو محمـد هستی، بار دیگر بر آن نظری افکندم

و علی بن ابی طالب را برگزیدم، پس او را جانشین تو قرار دادم که سید پیغمبرانی و علی سید اوصیا و برای او اسمی از اسم هایم را قرار دادم که من اعلی هستم و او علی است. ای محمد! من علی و فاطمه و حسن و حسین و امامان را در یک نور آفریدم، سپس ولایت شما را بر فرشتگان عرضه نمودم، پس هر که آن را پذیرفت مؤمن شد و هر که آن را انکار نمود از کافران گردید، ای محمد! اگر بنده ای از بندگانم آن قدر مرا پرستش نماید تا اینکه بمیرد، سپس در حالی که منکر ولایت شما باشد، مرا ملاقات کند او را به جهنم خواهم برد. سپس فرمود: ای محمد! آیا می خواهی آنها را ببینی؟ گفتم: آری. فرمود: پیش بیا. چون پیش رفتم ناگاه علی بن ابی طالب و حسن بن علی و حسین بن علی و علی بن حسین و محمدبن علی و جعفر بن محمد و موسی بن جعفر و علی بن موسی و محمدبن علی و علی بن محمد و حسن بن علی و حجت قائم را که همچون ستاره ای درخشان در میان آنان بود، دیدم. گفتم: ای پروردگار من! اینان کیستند؟ فرمود: اینان امامان هستند و این قائم است، حلالم را حلال و حرامم را حرام

می نماید و از دشمنانم انتقام می گیرد، ای محمد او را دوست بدار که من او و دوست دارنده او را دوست دارم.»(1)

این حدیث بیانگر این است که محبت آن حضرت، مقتضی امر مخصوصی از سوی خدای تعالی است.

بـا اینکه محبت همه ائمه علیهم السـلام واجب است ولی دو ویژگی سـبب محبت خـاص شـده است: چیره شـدن دین و غـالب گردیدن مسلمین بر کافرین به دست آن حضرت.

دل زنده

برپا نمودن مجالسـی که حضـرت ولیعصـر(عج) در آنجا یاد شود و مناقب و فضایل آن حضـرت ترویج و منتشـر گردد، موجب ترویج دین خداوند و یاری نمودن نیکی، تقوی، تعظیم شعائر الهی و نصرت ولی الله است. امام صادق علیه السلام فرمودند:

«یکـدیگر را دیـدار کنیـد، که در دیـدارتان زنده شدن دل هایتان و یادآوری احادیث ما هست و احادیث ما، شـما را نسبت به یکدیگر

۱- غایه المرام، باب ۲۳، حدیث ۱۰۵، ص۸۸.

مهربـان می سـازد که اگر آنها را به کار گیریـد رسـتگار شـده و نجات یافته ایـد و هر گاه آنها را ترک گوییـد گمراه شـده و هلاک می گردید، پس به آنها عمل کنید که من نجات شما را ضمانت می کنم.»(۱)

حضـور یـافتن و نشسـتن در این گونه مجـالس از ارزش بالا-یی برخوردار است، چنـان که حضـرت امـام رضـا علیه السـلام می فرماید:

«هر کس در مجلسی بنشیند که امر ما در آن زنده می گردد دلش نخواهد مرد، روزی که دلها می میرند.»(۲)

باید گفت برپا نمودن این مجالس در برخی زمان ها واجب است، مانند زمانی که مردم در معرض انحراف و گمراهی باشند و برپایی این مجالس سبب جلوگیری از هلاکت دینی آنان و مایه ارشاد و راهنمایی ایشان به راه هدایت گردد.

خداوند متعال می فرماید:

«وَ مَنْ یُعَظِّمْ شَعائِرَ اللّهِ فَإِنَّها مِنْ تَقْوَی الْقُلُوب؛ هر کس شعائر خداوند را بزرگ و

ص:۳۰

۱- وسائل الشیعه، ج۱۱، باب ۲۳، حدیث۳، ص۵۶۷.

۲- بحارالانوار، ج ۴۴، حدیث ۱، ص۲۸۲.

محترم دارد این کار نشانه تقوای دلها است.»(۱)

در کتاب مرآه الانوار از امیرالمؤمنین علیه السلام به طور مرسل روایت کرده که فرمود: «نحن الشعائر و الاصحاب؛ مائیم شعائر و اصحاب.»

یک بیت، یک خانه

سرودن و شعر خواندن در فضایل آن بزرگوار در مجالس آن حضرت موجب یاری امام به شمار می آید. امام صادق علیه السلام در این باره فرموده اند:

«من قال فینا بیت شعر، بنی الله تعالی له بیتا فی الجنه؛ هر کس درباره ما یک بیت شعر بگوید خداوند برای او خانه ای در بهشت خواهد ساخت.»(۲)

ادب

رعایت ادب درباره امام معصوم بسیار زیاد سفارش شده است. تأکید شده مؤمن، باید با القاب شریف و مبارک حضرت را یاد کند.

در زمینه برخاستن برای تعظیم شنیدن

۱- سوره حج، آیه ۳۲.

۲- وسائل الشیعه، ج ۱۴، حدیث۱، ص۵۹۷.

نام مبارک حضرت، بالاخص اگر آن نام مبارک «قائم» باشد، سفارش شده است.

سلام

هر روز، مخصوصاً روز دوشنبه و پنج شنبه که اعمال عموم خلایق بر آن حضرت عرضه می شود باید سلام کرد. رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرمود:

«خداوند عزوجل به هیچ دوست خود که جانش را به اطاعت و خیرخواهی امامش به زحمت انداخته، نظر نیفکند مگر اینکه او در رفیق اعلی [دسته پیامبران و صدیقان و شهدا و صالحین که در بهشت قرین هم باشند] با ما باشد.»(۱)

در دعای بعد از زیارت آل یاسین خیرخواهی برای آن والا مقام را این گونه از خدا طلب می کنیم:

«اَللَّهُم انصُرهُ وَ انتَصِر بِهِ لِدِینِکَ؛ خدایا! یاری نما او را و یاری کن به وسیله او دینت را.»(۲) و باز هم در همین دعا می خوانیم: «اَللَّهم اَعِذهُ مِن شَرِّ کُلِّ باغٍ وَ طاغٍ وَ مِن شَرِّ جَمِیعِ

۱- مکیال المکارم، ج۲، ص۲۵۸.

۲- مفاتیح الجنان.

خَلقِکَ وَاحفَظهُ مِن بینِ یَدَیهِ وَ مِن خَلفِهِ وَ عَن یَمِینِهِ وَ عَن شِمالِهِ؛ خدایا! پناه ده او را از شر هر متجاوز و سرکش و از شر همه خلق خود و نگهدار او را از پیش رو و از پشت سر و طرف راست و از طرف چپ.»(۱)

هدیه

مؤمن می تواند نمازی مخصوص، به عنوان هدیه به آن حضرت علیه السلام یا دیگر ائمه علیهم السلام به جا آورد و هیچ حدّ، وقت و شماره ای برای این نماز نیست و در واقع مؤمن به مقدار محبت و توانایی اش می تواند از این هدیه به محبوبش تقدیم کند.

ابومحمد صمیری می گوید:

ما را ابوعبدالله احمد بن عبدالله بجلی به سندی که به ائمه علیهم السلام متصل است، حدیث کرد که فرمود: «هر کس ثواب نماز خود را برای رسول خدا و امیرالمؤمنین و اوصیای بعد آن حضرت علیه السلام قرار دهد، خداوند ثواب نمازش را آن قدر افزایش می دهد که از شمارش آن نفس قطع می گردد و پیش از آنکه روحش از بدنش

۱- مفاتیح الجنان.

برآید به او گفته می شود: فلانی! هدیه تو به ما رسید، پس امروز پاداش و تلافی نیکی های تو است دلت خوش و چشمت روشن باد به آنچه خداوند برایت مهیا فرمود و گوارایت باد آنچه را به آن رسیدی.»(۱)

و همچنین وارده شده که مؤمن، بخشی از دارایی خود را برای امام زمانش هدیه کند و هر سال به این عمل مداومت نماید و در این عمل شریف، غنی و فقیر، حقیر و شریف و مرد و زن یکسانند، الا این که ثروتمند به مقدار توانائیش تکلیف دارد و فقیر به مقدار استطاعت خود مکلف می گردد، خدای عزوجل فرموده:

«لا یکلِّفُ الله نفسا إلّا وُسعَها؛ خداوند هیچ کس را جز به مقدار توانش تکلیف نمی کند.»(۲)

گریه

از نکات جالب توجه دیگر در وظایف مؤمنان، گریستن در مصیبت امام حسین(۳) و خواندن زیارت آن حضرت است و این مورد از

۱- مکیال المکارم، ج۲، ص۲۶۴.

۲- سوره بقره، آیه ۲۸۶.

۳- مکیال المکارم، ج۲، ص۴۱۲.

اموری است که هر چنـد به وسـیلهٔ آن حق امام علیه السـلام ادا نمی گردد، اما این خود، بـدون تردید از عظیم ترین و مهمترین وسایل تقرب یافتن به اوست.

ایشان مانند سایر پدران بزرگوارش هر صـبح و شام برای زوار قبر امام حسـین دعا می کنند. زیارت قبر امام حسین علیه السلام (۱) نیز صله حضرت صاحب الزمان خدمتی عظیم می باشد و با این عمل، امام مسرور و شادمان می شود.

امام صادق علیه السلام می فرماید:

«هر کس قبر پـدرم [ابی عبـدالله] را زیارت کند، همانا رسول خدا را صـله نموده و پیوند ما را گرامی داشـته و غیبتش حرام می گردد و گوشتش بر آتش (دوزخ) حرام می شود.»(۲)

۱- مکیال المکارم، ج۲، ص۴۱۴.

۲- کامل الزیارات، باب ۴۶، ص۱۲۷.

فصل سوم: عهد و پیمان

اشاره

ص:۳۷

میثاق

در وجود مقدس حضرت ولیّ عصر(عج) اموری جمع گردیده که هر کدام از آنها نصرت و یاری ایشان را موجب می شود، چرا که یاری نمودن این امام، یاری کردن مظلوم و کمک به ذی القربی و نصرت ولی نعمت و یاری نمودن واسطه نعمت و نصرت کسی که خداوند او را یاری می کند، می باشد.

در زیارت آل یاسین می خوانیم: «وَ نُصرَتی مُعَدَّهٌ لَکُم»(۱) یاری من برای شما آماده است و آنچه در فضیلت نیت خیر و تصمیم داشتن بر انجام کار نیک روایت شده بر این مطلب

ص:۳۸

۱- مفاتیح الجنان.

دلالت می کند.

در فضیلت جهاد در رکاب آن حضرت در اصول کافی از حضرت ابوجعفر امام باقر علیه السلام روایت آورده که فرمود:

«هر کس قائم ما را درک و با آن حضرت خروج نماید و دشمن ما را بکشد پاداشی همچون پاداش بیست شهید برای او خواهد بود و هر کس که در رکاب قائم کشته شود همانند پاداش بیست و پنج شهید برای او خواهد بود.»(۱)

در زیارت آن حضرت علیه السلام این گونه آمده است:

«فَإن اَدرَکتُ اَیّامَکَ الزّاهِرَهَ و اَعلامَکَ الباهِرَهَ فَها اَنا ذا عَبدُکَ المُتَصَرِّفُ بَینَ اَمرِکَ وَ نَهیِکَ اَرجُوبِهِ الشَّهادَهَ بَینَ یَدَیکَ وَ الفَوزَ لَدَیکَ؛ مولای من! اگر درک کردم روزگار درخشان تو را و پرچم های نمایان تو را، من همان بنده مطیع تو هستم که خود را در اختیار امر و نهی تو می گذارم به امید آنکه در رکاب حضرتت شهید شوم و در نزدت کامیاب گردم.»(۲)

۱- اصول کافی، ج۲، باب کتمان، حدیث ۴، ص ۱۹۰.

۲- مفاتیح الجنان.

تجدید بیعت با آن حضرت علیه السلام بعد از هر نماز از نمازهای پنج گانه یا در هر روز و یا در هر جمعه سفارش شده است.(۱)

بیعت، هم عهدی و پیمان بستن با آن حضرت به دو امر تحقق می یابد:

اول: تصمیم قلبی محکم و ثابت بر اطاعت آن حضرت علیه السلام و یاری او با نثار جان و مال.

دوم: اظهار نمودن آنچه قصد کرده و دل بر آن نهاده، به وسیله زبان.

مستحب است بیعت یاد شده هر روز تجدید گردد، به دلیل آنچه مرحوم علی بن طاووس در کتاب مصباح الزائر و دیگر علما نیز در کتاب های خود یاد کرده اند، این که از جمله اموری که مستحب است هر روز بعد از نماز صبح خوانده شود این است:

«اللهم بلغ مولای صاحب الزمان صلوات الله علیه عن جمیع المؤمنین و گل نرگس المؤمنات فی مشارق الارض و مغاربها سهلها و جبلها و برها و بحرها و....»(۲)

۱- مکیال المکارم، ج۲، ص۲۲۹.

۲- مفاتیح الجنان.

و از جمله دعاهای رسیده که مشتمل بر تجدید بیعت برای حضرت صاحب الامر علیه السلام است «دعای عهد» است که سید بن طاووس آن را امام صادق علیه السلام نقل کرده است.(۱) در این زمینه در زیارت حضرت حجت بعد از نماز صبح نیز چنین می خوانیم:

«اللهم انی اجدد له فی هذا الیوم و فی کل یوم عهداً و عقداً و بیعه فی رقبتی؛ خدایا! من تجدید بیعت می کنم در این روز و در هر روز، عهد و پیمان و بیعتی را که از آن حضرت بر گردن من است.»(۲)

غنیمت دانستن شب های قدر(۳) که شب بروز و ظهور قدر و منزلت و حکومت حضرت مهدی است و نیز شبی است که امور یک سال بندگان تقدیر می شود، دعا و نیایش و استمداد از آن حضرت می تواند در اعمال انسان مؤثر واقع شود و تأکید شده که در شب بیست و سوم این ماه هر چه ممکن است دعای «اللهم کن لولیک...» خوانده شود.

۱- مفاتیح الجنان.

۲- مفاتیح الجنان.

۳- مکیال المکارم، ج۲، ص۳۷۹.

خوانـدن نماز شب و اینکه در اول و آخر هر رکعتی که می خوانی به امام زمان توجه کنی و بعد بخوانی دعاهایی را که قبل از هر دو رکعت و بعد از هر دو رکعت رسیده است.(۱)

همچنین هر یک از روزهای هفته متعلق به یکی از معصومین هست، پس در هر روز به صاحب آن متوسل شوید و حوائج خود را از حضرتش بخواهید و زیارت آن امام را بخوانید.

روزهای معصومین در هفته عبارتند از:

شنبه: حضرت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلم.

یکشنبه: امام علی علیه السلام و حضرت زهرا علیها السلام.

دوشنبه: امام حسن و امام حسین علیهم السلام.

سه شنبه: حضرت سجاد و امام محمد باقر و امام صادق علیهم السلام.

چهارشنبه: امام موسی کاظم و امام رضا و امام محمد تقی و امام علی النقی علیهم السلام.

پنج شنبه: امام حسن عسکری علیه السلام.

جمعه: حضرت مهدی(عج).

زیارات مخصوصه هر یک را، در ایام مخصوصه به ایشان بخوان، این زیارات در

۱- تکالیف الانام فی غیبه الانام، تکلیف ۱۲.

جای خود آمده است.(۱)

نیایش

مداومت بر دعایی که ثقه الاسلام کلینی، شیخ نعمانی و شیخ طوسی به سندهای خود از زراره نقل کرده اند که زراره گفت: شنیدم حضرت ابوعبدالله امام صادق علیه السلام فرمود:

«برای آن جوان (حضرت مهدی) پیش از قیامش، غیبتی خواهد بود. گفتم: چرا؟ فرمود: می ترسد ـ و به شکمش اشاره کرد ـ سپس فرمود: ای زراره! اوست منتظر و اوست که در ولادتش شک می کنند. بعضی می گویند پدرش بدون بازمانده از دنیا رفت و برخی می گویند در حالی که در شکم مادر بود، پدرش فوت کرد و عده ای می گویند: دو سال پیش از فوت پدرش متولد شد و او است منتظر مگر اینکه خداوند عزوجل دوست دارد که شیعه را امتحان کند. پس در آن هنگام، تشکیک و توهم اهل باطل آغاز می شود، ای زراره! اگر آن زمان را درک کردی این دعا را بخوان:

۱- مفاتیح الجنان.

«اللّٰهُـمَّ عَرِّفنِی نَفسَـک فَإنَّکَ إن لَم تُعَرِّفنِی نَفسَـکَ لَم أعرِف نَـبِیَّک، اَللَّهُمَّ عَرِّفنِی رَسُولَـک فَإنَّک إن لَم تُعَرِّفنِی رَسُولَـکَ لَم أعرِف حُجَّتَک، اَللَّهُمَّ عَرِّفنِی حُجَّتَک فَإنَّک إن لَم تُعَرِّفنِی حُجَّتَک ضَـلَلتُ عَنَ دِینِی؛ بار خدایا! تو مرا به خود بشـناسان که اگر خودت را به من نشـناسانی، پیغمبرت را نخواهم شـناخت؛ بار خدایا! تو رسولت را به من بشـناسان که اگر رسول خود را به من نشـناسانی حجتت را نخواهم شناخت؛ پروردگارا! حجت خود را به من بشناسان که اگر حجتت را به من نشناسانی از دین خود گمراه خواهم شد.»(۱)

دعایی که شیخ صدوق به سند خود از عبدالله بن سنان روایت کرده که گفت: حضرت امام صادق علیه السلام فرمودند:

«پس از این شبهه ای شما را خواهد رسید که بدون نشانهٔ دیده شدنی و امام هدایت کننده ای خواهید ماند و از آن نجات نمی یابید

ص:۴۴

۱- اصول کافی، ج۲، باب الغیبه، حدیث ۳، ص۱۳۳.

مگر اینکه دعای غریق را بخواند. راوی می گوید: عرضه داشتم دعای غریق چگونه است؟ فرمود: چنین بگوید: یا الله یا رحمن یا رحیم، یا مقلب القلوب، ثبت قلبی علی دینک؛ ای خداوند! ای مهربان! ای دگرگون کننده قلب ها! دل مرا بر دینت پایدار کن.»(۱)

کفن پوش مسلح

در زیارت حضرت می خوانیم:

«وَ اجعَلنِی مِنَ المُستَشهَدینَ بَینَ یَدیه، طائعاً غیرَ مکره؛ بارالها! مرا از شهادت یافتگان در پیش روی آن حضرت(عج) از روی میل و رغبت و بدون اکراه قرار بده.»(۲)

از خداوند بخواهیم که اگر در حین ظهور مرده باشیم ما را زنده نماید، تا در رکاب حضرت به حمایت از ایشان برخیزیم، در دعای عهد می خوانیم:

«اَللّهمَّ اِن حالَ بَینِی وَ بَینَهُ المَوت الَّذی جَعَلتَهُ عَلی عِبادِکَ حَتماً مَقضیاً فَاخرِجنِی مِن

۱- کمال الدین و تمام النعمه، ج۲، باب ۳۳، حدیث ۵۰، ص۳۵۱.

۲- مفاتیح الجنان.

قَبرِی مُؤتَزِراً کَفَنی شاهِراً سَیفِی مُجرِّداً قَناتِی مُلَبِّیاً دَعوَه داعی فی الحاضرِ و البَادی؛ خدایا اگر مرگ حائل شد بین من و او، آن چنان که مرگ را بر بندگانت قضای حتمی قرار دادی، بیرون آور مرا از قبر که کفن خود را به کمر بسته باشم و با شمشیر کشیده و نیزه افراشته، در حالی که به ندای [آن] دعوت کننده در شهر و بادیه لبیک گو باشم.»(۱)

۱- مفاتیح الجنان.

فصل چهارم: خودسازی

اشاره

ص:۴۷

می خواهم از اصحاب حضرت باشم

خودسازی، پاکسازی درون(۱) از صفات پلید و زیور دادن آن با فضائل اخلاقی است. این امر در هر زمان واجب است؛ به خصوص اهمیت تهذیب نفس در وظایف زمان غیبت حضرت ولی عصر(عج) از این جهت است که درک فضیل مصاحبت او و قرار گرفتن در اعداد اصحاب آن جناب بستگی به این مطلب دارد.

نعمانی روایتی از امام صادق علیه السلام نقل نموده که حضرت می فرماید:

«هر کس دوست دارد از اصحاب حضرت قائم علیه السلام باشد باید که منتظر باشد و در این حال

۱- مکیال المکارم، ج۲، ص۳۰۵.

به پرهیزگاری و اخلاق نیکو رفتار نماید.»(۱)

شفاعت

شفاعت(۲)

آن جناب علیه السلام «باب الله» است که از آن در آینـد؛ و راه به سوی رضوان خداونـد است و اوست شـفیع به سوی خـدای تعالی که بنـدگان را امر فرموده به آن توسل جویند؛ چنان که در روایات از ائمه علیهم السـلام آمده که درباره فرموده خداوند ـ «وَ لِلّهِ الاَسماءُ الحُسنی فادعُوهُ بِها؛ برای خداوند نام های نیکی است، او را با آنها بخوانید.» (۳) ـ فرمودند:

«به خدا قسم مائیم آن اسـماء حسنائی که خداوند بندگانش را امر فرموده، به وسیله آنها، او را بخوانند.» و نیز در در زیارت آن حضرت علیه السلام می خوانیم: «وَ قَد إتَکَلتُ عَلی شَفاعَتِکَ وَ رَجَوتُ بِمُوَالاتِکَ وَ شَفاعَتِکَ مَحوَ ذُنُوبِی وَ سَترَ عُیُوبِی وَ مَغفِرَةَ زَلَلی؛ و بر شـفاعت تو تکیه کردم و به دوست داشـتن و شـفاعت تو امیـدوارم که گناهـانم محو و نـابود شود و عیب هایم پرده پوشی شود و لغزش هایم

ص:۴۹

۱- غیبت نعمانی، ص۱۰۶.

۲- مکیال المکارم، ج۲، ص۲۷۱.

۳- سوره اعراف، آیه ۱۷۰.

آمرزیده شود.»(۱)

دریاب که می توانی

استمداد و استعانت و استغاثه از آن بزرگوار در هنگام شدائد، بلایا، امراض، روآوردن شبهات و فتنه از اطراف و جوانب، خود به اذن خداونـد متعـال، راه چـاره است. بـدین منظور ایشان بر حسب قـدرت الهیه بر حال هر کس دانا و بر اجابت خواسـته اش تواناست و فیضـش عام و از نظر در امور رعایا و پیروان خود غفلت نکرده و نمی کند و خود حضرت در توقیعی که برای شیخ مفید فرستادند، مرقوم فرمودند:

«علم ما محیط و فراگیر است خبرهای شـما را و غایب نمی شود از علم ما هیچ چیز از اخبار شـما و معرفت به بلایی که به شـما می رسد.»(۲)

این دعا را بخوان

این دعا را بخوان(۳)

نعمانی در کتاب غیبت خود از امام

ص:۵۰

۱- مفاتیح الجنان.

۲- احتجاج (ترجمه غفاری مازندرانی)، ج ۴، ص ۳۴۶.

۳- مکیال المکارم، ج۲، ص۲۸۴.

صادق علیه السلام روایت کرده که فرمود:

«به درستی که از برای صاحب این امر، غیبتی است که متمسک به دین در آن غیبت، مانند کسی است که به دست خود خار درخت خاردار را بتراشد تا صاف و هموار شود؛ و از این جهت امر فرموده اند به خواندن جمله ای از دعاها از جمله، از زراره و اوست منتظَر و اوست کسی که شک می شود در ولادتش پس بعضی از مردم می گویند که پدرش مرد و جانشین نگذاشت و برخی می گویند که حمل بود و عده ای می گویند که او غایب است و جمعی می گویند دو سال قبل از وفات پدرش متولد شد؛ و اوست منتظر، غیر اینکه خداوند خواسته که امتحان کند قلوب شیعه را؛ پس در این زمان اهل باطل به شک می افتند. زراره گفت: فدای تو شوم اگر درک کردم آن زمان را، کدام عمل را بکنیم؟ فرمود: ای زراره! اگر درک کردی آن زمان را پس این دعا را بخوان: اللَّهم عَرِّفنی نَفسک فَإنَّکَ إن لَم تُعَرِّفنی نَفسَک لَم أعرِف نَبِیَّك اللَّهم عَرِّفنی رَسُولَک فَإنَّکَ إن لم تُعَرِّفنی رَسُولَكَ لَم أعرِف

حُجَّتَكَ اللَّهم عَرِّفنی حُجَّتک فَإنَّکَ إن لَم تُعَرِّفِنِی حُجَّتَک ضَلَلتُ عن دینی.»(۱)

سپر مؤمن

سپر مؤمن(۲)

در کتاب کافی از امام صادق علیه السلام آمده که فرمود:

«تقیه سپر مؤمن و تقیّه نگهدار مؤمن است و هر کس را تقیه نیست ایمان ندارد، همانا حدیثی از احادیث ما به بنده ای می رسد، پس خدای عزوجل را بین خود و خدا با آن دینداری می کند و مایه عزت او در دنیا و نور او در آخرت می گردد و بنده دیگر حدیثی از احادیث ما به او می رسد پس او آن حدیث را فاش می سازد و موجب خواری او در دنیا می شود و خداوند آن نور را از او می گیرد.»(۳)

خودت را بشناس

خودت را بشناس(۴)

از وظایف مؤمن آن است که در زمان غیبت از درگاه خداوند عزوجل بخواهد که او

۱- مفاتیح الجنان.
۲- مکیال المکارم، ج ۲، ص۲۴۱.
۳- اصول کافی، ج۳، حدیث ۲۳، ص۳۱۴.
۴- مکیال المکارم، ج۲، ص ۲۹۵

را در مواقعی که وظیفه اش صبر کردن است به آن توفیق دهد، هم چنان که در دعاهای رسیده از معصومین علیهم السلام این مطلب وارد شده است.

در کتاب کافی از امام صادق علیه السلام روایت کرده که حضرت فرمود:

«خداوند رسولان خود را به مکارم اخلاق اختصاص داده پس خودتان را بیازمایید که اگر در شما آن اخلاق بود، پس خداوند را حمد گویید و بدانید که آن از خوبی شما است و اگر آن اخلاق در شما نبود، پس از خداوند مسألت نمایید و برای دستیابی به آنها به درگاه خداوند التماس کنید، سپس آن حضرت ده چیز را شمرد: یقین، قناعت، صبر، شکر، خویشتنداری، خلق نیکو، سخاوت، غیرت، شجاعت و مروت.»(۱)

ناشناس باش

ناشناس باش(۲)

شهرت، آفت است و ناشناس ماندن راحتی. حضرت علی علیه السلام در نهج البلاغه

ص:۵۳

۱- اصول کافی، ج ۳، باب المکارم، حدیث۲، ص۹۳.

۲- مکیال المکارم، ج ۲، ص۳۰۲.

می فرماید:

«وَ ذلِکَ زمانٌ لایَنجُو فیه إلَّا کُلُ مؤمنٍ نَومَةٍ إن شَهِدَ لَم یُعرَف وَ إن غابَ لَم یُفتَقَدَ اُولئِکَ مَصابِیحُ الهُدی و أعلامِ السری لیسوا بالمسابیح و لا المذابیع البذر اُولِئِکَ یَفتَحُ اللهُ لَهم ابواب رحمتِهِ و یکشف عنهم ضَرّاءَ نِعمَتِهِ ایها الناس سیأتی علیکم زمانٌ یُکَفَأُ فیه الاسلام کما یُکَفَأُ الآباء بما فیه؛ و آن زمانی است که در آن نجات نمی یابد مگر هر مؤمن بی نام و نشان، که اگر [در مجالس] حضور یابد شناخته نشود و هر گاه غایب باشد در جست و جویش برنیایند؛ اینان چراغ های هدایت و روشنگران راه شب روانند که به فتنه و فساد و سخن چینی در میان مردم آمد و شد نکنند و دهان به عیب گویی از مردم و یاوه سرایی نگشایند؛ برای آنان خداوند درهای رحمتش را باز می کند و از ایشان سختی عذابش را برطرف می نماید. ای مردم! زمانی بر شما خواهد رسید که اسلام در

ص:۵۴

آن واژگون می شود و آن چه در آن است بریزد.»

سکوت یا ستیز؟

آنچه در دوران غیبت کبری واقع شده و ما ملاحظه کرده ایم و اخبار و روایات، گویای این است که در عصر غیبت کبری، ظلم و فساد همه جا را فرا می گیرد حال وظیفه یک فرد مسلمان در مقابل این حالت چیست؟ آیا از جامعه کناره گیری کند و دست به کاری نزند و هیچ گونه وظیفه ای برای برپایی عدالت و از بین بردن کژی ها و انحرافات ندارد؟ یا اینکه وظیفه اش تلاش و کوشش اجتماعی و جهاد و پیکار قطعی در راه خدا، مقابل ظلم و طغیان است؟ آیات قرآن دال بر این است که جهاد واجب است مثل این آیه شریفه:

«وَ أَعِدُّوا لَهُم مَا استَطَعتُم مِن قُوَّه؛ تا آن اندازه که توان دارید، در مقام مبارزه با کافران، خود را مهیا کنید.»(۱)

در این زمینه بحث های زیادی مطرح است که در جای خود بحث شده است و از

۱- سوره انفال، آیه ۶۰.

گنجایش در این مجموعه خارج است.(۱)

حقوق بشر

حقوق بشر(۲)

از جمله اسباب طولانی شدن غیبت امام علیه السلام گناهان و معصیت هایی است که از بندگان می بیند چنان که در توقیع شریف حضرت آمده:

«پس تنها چیزی که ما را از آنها پوشیده می دارد همانا چیزهای ناخوشایندی است که از ایشان به ما می رسد و خوشایند نیست و از آنان انتظار نمی رود.»(۳)

امان ز لحظهٔ غفلت که شاهدم هستی

امان ز لحظهٔ غفلت که شاهدم هستی(۴)

به دلالت اخبار قطعی، تردیدی در این که امام علیه السلام ناظر و شاهد اعمال ماست، نیست و بر حرکات و سکنات ما اطلاع دارد؛ پس تو در هر حال و هر کجا که هستی در پیش رویش قرار داری، بلکه باید آن حضرت نیز در جلوی

۱- مراجعه شود به کتاب تاریخ غیبت کبری، (ترجمه سید حسین افتخارزاده)، ص ۳۹۰.
۲- مکیال المکارم، ج ۲، ص۳۰۶.
۳- بحار الانوار، ج ۵۳، ص۱۷۷.
۴- مکیال المکارم، ج ۲، ص۳۰۷

چشمت باشد و چنان چه دانستی که آن حضرت پیش چشمت قرار دارد. البته همتت در جهت رعایت آداب آن جناب و مراسم ادب و انجام وظایفی که نسبت به آن حضرت داری مصروف خواهد شد.

جسم آرام، جان بی قرار

جسم آرام، جان بی قرار(۱)

بدن نسبت به یاد حضرت نیز باید خاشع باشد و دلیل بر همین مطلب است آنچه سید اجل علی بن طاووس در کتاب جماع الاسبوع به سند خود از محمد بن سناق از امام صادق علیه السلام در دعای روز جمعه آورده:

«اَللَّهم إنِّی أتَقَرَّبُ إلَیکَ بقلبٍ خاضع و إلی وَلیِّک ببدنٍ خاشع و إلی الائمه الراشیدین بفؤادٍ متواضع.»(۲)

آن خواهم که هیچ نخواهم

آن خواهم که هیچ نخواهم(۳)

اینکه در هر امری که بر تو وارد می شود و می خواهی در آن اقدام کنی بیندیشی که آیا

ص:۵۷

۱- مکیال المکارم، ج ۲، ص ۳۱۱.
۲- جمال الاسبوع، ص ۲۳۰.
۳- مکیال المکارم، ج ۲، ص۳۱۳.

موافق رضای آن حضرت است یا مخالف آن؟ پس چنانچه موافق رضای او بود آن را انجام می دهی و بر آن اقدام نمایی نه به خاطر هوای نفس خود، بلکه به جهت موافقت داشتن آن عمل با رضای حضرت و اگر مخالف رضای او بود آن را واگذاری و با هوای نفست مخالفت کنی برای بدست آوردن رضای حضرت که اگر چنین بود نزد آن بزرگوار محبوب خواهی بود.

شاهد بر این مطلب روایتی است که محدث نوری در کتاب نفس رحمان به نقل از امالی شیخ طوسی به سند خود از منصور برزج آورده که می گفت:

به حضرت امام صادق علیه السلام عرضه داشتم: ای آقای من! چه بسیار از شما یاد سلمان فارسی را می شنوم؟ حضرت فرمود: «نگو سلمان فارسی، بلکه بگو سلمان محمدی، آیا می دانی چرا بسیار از او یاد می کنم؟ عرض کردم نه؛ فرمود: برای سه صفت؛ اول: مقدم داشتن خواسته امیرالمؤمنین بر خواسته خودش؛ دوم: دوست داشتن فقرا و برگزیدن آنها بر اهل ثروت و مکنت؛ و سوم: دوست داشتن علم و علما. همانا سلمان بنده صالح و

درستکار، مسلمان بود و از مشرکین نبود.»(۱)

هر عاشقی را معشوقی است

هر عاشقی را معشوقی است(۲)

پیروی کردن از آن بزرگوار و الگو قرار دادن او در اخلاق و اعمال در آنچه مؤمن به حسب حال خود می تواند انجام دهد، معنی تشیع و حقیقت مأموم بودن همین است و کمال ایمان و تمامیت موالات امام و همراهی با او در روز قیامت و مجاورت با حضرتش در بهشت با این کار انجام می شود.

در نامه امیرالمؤمنین به عثمان بن حنیف فرماندار بصره از سوی آن حضرت چنین آمده است:

«توجه کنید که هر مأمومی را امامی هست که به او اقتدا می کند و از نور علمش برخوردار می گردد.»(۳)

کنترل زبان

کنترل زبان(۴)

این کار هر چند که در هر زمان خوب و

۱- بحارالانوار، جلد۲۲، حدیث ۳۳، ص۳۲۷.

۲- مکیال المکارم، ج ۲، ص۳۲۸.

۳- نهج البلاغه، بخش نامه ها.

۴- مکیال المکارم، ج ۲، ص۲۸۵.

پسندیده است، ولی چون انسان در زمان غیبت حضرت صاحب الزمان علیه السلام بیشتر در معرض خطر، زیان و امتحان است، بایـد اهتمامش به این امر، مهم تر از سایر زمان ها باشد. در کتاب کافی از امام کاظم آمده که شخصـی به آن حضـرت عرضـه داشت: مرا سفارش بنما، فرمود:

«زبانت را حفظ کن که عزیز شوی و زمام امورت را به دست مردم مده که خوار و زبون گردی.»(۱)

همچنین روایتی که صـدوق در کتابش کمال الدین و تمام النعمه از امام باقر نقل کرده حضـرت علیه السـلام بهترین روشـی را که ممکن است یک مؤمن در زمان غیبت در پیش بگیرد حفظ زبان در فتنه ها دانسته اند.

ابو داوود از حضرت رسول روایت کرده که فرمود:

«به زودی فتنه ای کر و گنـگ و کـور به وجـود خواهـد آمـد، هر کس خـود را در معرض آن قرار دهـد گرفتـارش می شود و دخالت در آن از

۱- اصول کافی، ج ۲، باب الصمت، حدیث ۴.، ص۱۱۳.

طریق زبان، همچون وارد شدن با شمشیر است.»(۱)

رضایت

از خداوند بخواهیم که حضرت را از ما راضی نگهدارد؛ در این زمینه در دعای ندبه می خوانیم:

«وامنُن علینا برضاه؛ خدایا منت بگذار بر ما به خشنودی آن حضرت علیه السلام.»(۲)

ص:۶۱

۱- سنن ابوداوود، ج ۲، ص۴۱۷.

۲- مفاتیح الجنان

فصل پنجم: آمادهٔ ظهور

اشاره

ص:۶۳

نشانه های ظهور

نشانه های ظهور(۱)

شناختن علائم ظهور حضرت علیه السلام به ویژه علائم حتمی که امامان علیهم السلام آنها را خبر داده اند، چون بر همه لازم است که بعد از ظهور حضرت به او روی آورده و با حضرتش بیعت نمایند و روی آوردن به سوی آن حضرت هنگام ظهورش از شهرها، جز بعد از علم به ظهور، امکان پذیر نیست و این علم، به سبب آشکار شدن علائم حتمیه ظهور که وعده شده اند حاصل می گردد، پس بایستی علامات ظهور حضرتش را شناخت، این علامات مفصلاً در کتب مربوطه آمده است، بر طالبین است که بدان کتب مراجعه نمایند.

۱- مکیال المکارم، ج ۲، ص۱۹۱.

سراب حقیقت

در کتاب کافی از عبد الرحمن بن کثیر آورده که گفت: در محضر امام صادق علیه السلام بودم که مهزم بر او وارد شد و عرضه داشت: فدایت شوم خبر ده مرا از این امری که منتظرش هستیم، که کی خواهد بود؟ امام فرمود: «ای مهزم، وقت گذاران دروغ می گویند و عجله کنندگان هلاک گردند و تسلیم شدگان نجات یابند.»(۱)

کسانی که در امر فرج عجله می کنند، همین که به یک فردی برخورد می کنند که مدعی منصب امام زمان است و مقام آن حضرت را مدعی است عجله کرده گمراه می شوند و او را به عنوان امام زمان پذیرفته و دنباله روی او می شوند.

اجتهاد نکن، اطاعت کن

اجتهاد نکن، اطاعت کن(۲)

عبد باید رأی، سلیقه، اجتهاد و استنباط خود را کنار نهاده و قدم به قدم به دستورالعمل های مولای خود حضرت مهدی علیه السلام عمل نماید.

ص:۶۵

۱- اصول کافی، ج ۲، باب کراهت، حدیث ۲ و ۷، ص ۱۹۰

۲- تکالیف الانام فی غیبه الانام، همدانی، تکلیف ۱۲.

حق امام

اشاره

حق امام علیه السلام پس از خدا و رسول از همه حقوق عالم مهم تر است؛ نظر به مراتبی که خدای تعالی به او اختصاص داده و او را از سایر خلایق برگزیده است و او واسطه رسیدن هر گونه فیض به آنها می باشد. در دعای ندبه می خوانیم:

«[خدایا] یاریمان کن تا حقوق او را ادا کنیم، و در راه اطاعتش بکوشیم و از نافرمانی اش بپرهیزیم.»(۱)

سرّ صبر

خداوند متعال بندگان خود را در زمان غیبت ولیّ اش به انواع محنت ها و بلاها امتحان می کند تا بد از خوب جدا شود؛ پس درجات خوبان را بالا برده و پلیدان را بعضی با بعضی دیگر در آمیزد و با هم گرد آورد، آنگاه همه را در آتش دوزخ افکند.

از جمله محنت ها و ابتلائات این است که می بینید بسیاری از اهل باطل در وسعت و ثروت، زندگی می کنند و دارای شوکت و

۱- مفاتیح الجنان.

قدرت هستند و بسیاری از اهل حق را می بینید که در سختی و تنگدستی زندگی می کنند و اهل باطل آن ها را با دست و زبان، اذیت و مسخره می کنند، خداوند در قرآن کریم می فرماید:

«وَلَنَبْلُوَنَّكُمْ بِشَيْءٍ مِّنَ الْخَوفْ وَالْجُوعِ وَنَقْصٍ مِّنَ الأَمَوَالِ وَالأنفُسِ وَالثَّمَرَاتِ؛ قطعاً شما را با چیزی از ترس، گرسنگی و کاهش در مال ها و جان ها و محصولات می آزماییم.»(۱)

آن چهره نازنین

از خدای عزوجل مسألت نماییم که دیدار مولایمان صاحب الزمان را در حال عافیت و ایمان به ما روزی فرماید؛ در دعای عهد که از امام صادق علیه السلام روایت شده، چنین آمده:

«اللهم أرنی الطلعه الرشیده و الغره الحمیده؛ بار خدایا آن طلعت رشید و آن چهره نازنین را به من نشان بده.»(۲)

شادی خدا

یاری کردن آن جناب، چنگ زدن به

۱- سوره بقره، آیه ۱۵۵.

۲- مفاتیح الجنان.

ریسمان ولایت ایشان، شادمان نمودن و احسان کردن به حضرتش می باشد و برخی اخبار بر این دلالت دارند. در کتاب شریف کافی به سند خود از مفضل عمر از امام صادق علیه السلام آورده که فرمود:

«چنین نپندارد کسی از شما که چون مؤمنی را شادمان ساخت فقط او را مسرور نموده، بلکه به خدا سوگند، ما را خوشحال کرده بلکه به خدا سوگند، رسول خدا صلی الله علیه و آله را مسرور ساخته است.»

دوستم داری؟

باید طوری زندگی کنیم و با مردم به نحوی معاشرت نماییم که مایه زینت و سر افرازی آن بزرگوار باشیم، نه این که موجب رنجش و شرمندگی آن حضرت علیه السلام باشیم.

بالاخص اگر در محیطی زندگی کنیم که در پیرامونمان پیروان مذاهب دیگر باشند باید طوری عمل کنیم که مخالفین را نیز به مکتب تشیع امیدوار، خوشبین و راغب سازیم.

بهتر از هفتاد هزار عابد

امر به معروف و نهی از منکر در همه زمان ها وظیفه همه مسلمین است و عمل

ص:۶۸

بدان بسیار تاکید شده است تا جایی که امام علیه السلام می فرماید:

«امر به معروف و نهی از منکر کنید و الا اشـرار از شـما بر شـما مسـلط می شوند، پس دعا می کنید ولی دعایتان مستجاب نمی شود.»

امر به معروف و نهی از منکر شرایطی دارد که در کتاب مفصله و نیز در برخی از رساله های عملیه ذکر شده است.

دعوت کردن مردم به آن حضـرت از مهم ترین طاعـات و واجب ترین عبـادات است و تمام آنچه در فضـیلت امر به معروف از آیات و روایات آمده و تمام آنچه در فضیلت هدایت و ارشاد مردم به راه حق وارد گردیده، بر ارزش آن تأکید دارد. اضافه بر اینکه بهترین خلایق پس از ایشـان کسـی است که او را دوست دارد و مردم را به ایشان دعوت کنـد چنانچه در روایت آمـده: «همانا عالمی که به مردم، معارف دینشان را بیاموزد و آنان را به امامشان دعوت کند از هفتاد هزار عابد بهتر است.»(۱) و برای مهیا سازی زمینه های ظهور حضرت، ما بایستی وظایف شرعیه خودمان را عمل نماییم

۱- مکیال المکارم، ج۲، ص ۳۸۹

و از امر به معروف و نهی از منکر غفلت نورزیم و برای ظهور حضرت دعا کنیم.

بنابراین چنانچه کسانی معتقد باشند که برای مهیا شدن زمینه های ظهور آن حضرت بایستی اجازه دهیم تا فساد همه جا را بگیرد و ما فقط شاهد باشیم و امر به معروف را طرد نمائیم، این کلامی باطل و عبث خواهد بود و خلاف مبانی دینی است.

هر کس ایمان دارد، آنجا ننشیند

پرهیز کردن و دوری جستن از مجالس اهل بطالت و ضلالت، آنها که یاد امام علیه السلام را به مسخره می گیرند یا آن حضرت را به بدی یاد می کنند یا بر آن بزرگوار خرده می گیرند، یا وجود شریفش را انکار می نمایند، یا این که از یاد کردن حضرتش روی گردانند، یا مؤمنان منتظر آن جناب را مسخره می نمایند، در کتاب کافی از امام صادق علیه السلام آمده که حضرت فرموده اند:

«هر کس به خدا و روز واپسین ایمان دارد در جایی ننشیند که امامی در آن مذمت شود، یا به مؤمنی اهانت گردد.»(۱)

۱- اصول کافی، ج۲، باب مجالسه اهل معاصی، حدیث ۹، ص۸۷،

فصل ششم: انتظار فرج

اشاره

ص:۷۱

دعا برای فرج

اشاره

در این باره چند مبحث وجود دارد:

مبحث اول: فضیلت انتظار

در این باره همین بس که امام زین العابـدین علیه السـلام در دعای عرفه بر منتظران درود فرسـتاده و برای آنان دعا کرده و بعد از دعا کردن برای مولایشان امام زمان، نیز مرحوم شیخ صدوق در کتابش کمال الدین از امام صادق علیه السلام روایت نموده است که حضرت فرموده:

«هر کس از شما بر این امر در حال انتظار بمیرد همچون کسی است که در خیمه قائم علیه السلام بوده است.»(۱)

ص:۷۲

۱- کمال الدین، ج ۲، باب ۵۵، حدیث ۱، ص ۶۵۳.

مبحث دوم: وجوب انتظار

روایتی که مرحوم شیخ صدوق در کتاب کمال الدین از حضرت عبدالعظیم حسنی آورده بر این مطلب دلالت دارد که فرمود:

«بر آقایم محمد بن علی بن موسی بن جعفر بن علی بن ابیطالب علیهم السلام وارد شدم و خواستم که درباره قائم از آن حضرت سئوال کنم که آیا همان مهدی است یا غیر او؟ پس خود آن حضرت آغاز سخن کرد و به من فرمود: ای ابوالقاسم، به درستی که قائم از ماست و اوست مهدی، که واجب است در زمان غیبتش انتظار کشیده شود و در ظهورش اطاعت گردد و او سومین، از فرزندان من است.»(۱)

مبحث سوم: معنای انتظار

انتظار حالتی است نفسانی که آمادگی برای آنچه انتظارش را می کشیم از آن بر می آید و ضد آن، یأس و ناامیدی است؛ پس هر چه انتظار شدیدتر باشد آمادگی و مهیا شدن قوی تر خواهد بود کما این که هر چه

۱- کمال الدین، ج ۲، باب ۳۶، حدیث ۱، ص۳۷۷.

محبت شدیدتر و دوستی بیشتر باشد مهیا شدن برای محبوب زیادتر می شود و فراقش دردناک تر.

بنابراین مؤمنی که منتظر مولایش باشد هر قدر که انتظارش شدیدتر باشد، تلاشش در آمادگی برای آن به وسیله پرهیز از گناه و کوشش در راه تهذیب نفس و پاکیزه کردن درون از صفات نکوهیده و به دست آوردن خوی های پسندیده بیشتر می شود و بی تردید، هر چه انتظار بیشتر باشد صاحب آن، مقام و ثواب بیشتری نزد خدای عزوجل خواهد داشت.

در زمان غیبت دعایی است از سیدبن طاووس در کتاب مهج الدعوات، در حدیثی که غیبت حضرت مهدی در آن یاد شده، راوی می گوید:

عرض کردم شیعیانت چه کار کنند؟ فرمود: بر شما باد به دعا کردن و انتظار فرج کشیدن، تا آنجا که گوید: عرضه داشتم به چه چیزی دعا کنیم؟ فرمود: می گویی «اللهم انت عَرَّفتَنی نفسک و عَرَّفتَنی رسولَکَ و عَرَّفتنی ملائکتَکَ و عَرَّفتَنی نبیَّک و عَرَّفتَنی ولاهَ أمرِك، اللهم لا آخُذُ الّا ما أَعطَیتَ و لا أَوقی الاّ

ما وَقَیتَ، اللهم لا تُغَیِّبنی عن منازِلِ اولیائک و لا تُزِغ قَلبی بعدَ اذ هدیتَنی اللهم اهدِنی لولایهِ مَن فرضتَ طاعته؛ بار خدایا! تو خودت و فرستاده ات و فرشتگانت و پیغمبرت و والیان امرت را به من شناساندی؛ بار خدایا! من نگیرم جز آنچه تو عطا کنی و هیچ نگهدارنده ای جز تو برایم نیست؛ بار خدایا! مرا از منازل دوستانت دور مگردان و دلم را پس از آنکه هدایت کرده ای منحرف منمای؛ بار خدایا! مرا به ولایت کسی که اطاعتش را بر من واجب ساخته ای هدایت فرمای.»(۱)

در عصر غیبت دعای ندبه از جمله دعاهایی است که سفارش شده تا برای آن حضرت ندبه و گریه نمایند. این دعا در مفاتیح الجنان آمده و اغلب در صبح جمعه خوانده می شود.(۲)

شوق دیدار

این نشانه های دوستان و موالیان آن جناب است و در خوبی و استحباب آن هیچ تردیدی

۱- مهج الدعوات، ص۳۳۲.

۲- مفاتیح الجنان.

نیست چون در دعاهای روایت شده برای آن جناب، این معنی آمده است.

در زیارت آن حضرت می خوانیم:

«اَللّهم اَرِنـا وَجهَ وَلیِّکَ المیمـونَ فی حَیاتِنـا وَ بَعـدَ المَنُون؛ خـدایا! بنمـا بر مـا روی مبـارک ولی خـود در زنـدگی مـا و پس از مرگ.»(۱)

و در دعای ندبه این چنین می خوانیم:

«عَزیزٌ عَلَیَّ أن اَرَی الخَلقَ وَ لا تُری؛ چه سخت است بر من که همه را ببینم، جز تو!»(۲)

غم فراق

پیغمبر اکرم صـلی الله علیه و آله و سـلم می فرمایـد (چنـانچه شـیخ صـدوق در امـالی و نیز شـیخ طوسـی در کتـاب امـالی خود آورده):

«ایمان نیاورده بنـده تا این که بوده باشم من نزد او محبوب تر از جان او و اهل بیت من محبوب تر نزد او از اهل او و عترت من محبوب تر نزد او از عترت او و ذات من محبوب تر از ذات او.»

پس سزاوار است که ما در غیبت محبوب ترین عزیزمان، برای حضرتش محزون باشیم.

۱- مفاتیح الجنان.

۲- مفاتیح الجنان.

نیز از امام رضا علیه السلام روایتی است که در ضمن خبری متعلق به آن جناب فرمود: چه بسیار مردان و زنان مؤمنی که متأسف و حیرانند در وقت فقدان حضرت حجت؛ نیز در فقرات شریفه دعای ندبه به این مقام اشاره شده است، آنجا که می گوییم:

«کاش می دانستم که جای تو کجاست! کاش می دانستم که کدامین زمین، کدامین خاک، جای پای توست! آیا تو در کوه «رضوی» هستی یا جایی دیگر؟ تو در «ذی طُوی» هستی یا جایی دیگر؟ تو کجایی؟ عزیز دل! چه سخت است بر من، که همه را ببینم، جز تو! چه دشوار است بر من که هیچ ترنّمی، صدایی، نجوایی از تو نشنوم. چه شکننده است برای من که غمی تو را ــ و نه مرا ــ بیازارد، اندوهی تو را ــ و نه مرا ــ احاطه کند و هیچ صدایی از من، به تو نرسد و فریاد و شکوایی از من، به گوش تو آشنا نگردد. جانم فدای تو!ای غایبی که ظهور، به تو معنا می شود و وجود، از تو تجسم می یابد و دل های ما، هماره آکنده از حضور حیات بخش توست! جانم فدای تو!ای دور از وطنی که خود موطن مایی! وطن حیات، بی تاب توست

و تو، روح این تنهای بی قراری.... چه سخت است بر من، که صداهای دیگران در دهلیزهای گوشم بپیچد، اما از آوای دل انگیز تو محروم بمانم. شنیدن هر نوایی، جز پاسخ تو و جز کلام اجابت تو، بر من گران و شکننده است. چه طاقت سوز است که خلایق، دست از یاری ات بدارند و من، تنها گریستن را بتوانم. چه مشکل است که ببینم، آنچه دیگران را سزاست، بر تو می گذرد....»(۱)

اینک نمونه ای از حزن ائمه در غیبت آن عزیز را ذکر می کنیم.

روایت شده از سدیر صیرفی که گفت:

من و مفضل بن عمر و ابوبصیر و ابان بن تغلب به خدمت مولای خود حضرت امام جعفر صادق علیه السلام داخل شدیم و آن حضرت را دیدیم که بر روی خاک نشسته بود و از شدت اندوه، واله بود و مانند زنی که عزیزش مرده، گریه می کرد، مانند جگر سوخته آثار حزن و اندوه در صورتش ظاهر و هویدا بود و اشک از دیده های حق بینش جاری بود و می فرمود: ای سید من! غیبت تو خواب مرا برده و

۱- مفاتیح الجنان (ترجمه سیدمهدی شجاعی).

استراحت مرا زایل گردانیده و سرور را از دل من ربوده است، ای سید من! غیبت تو مصیبت مرا دائم گردانید و نوائب را بر من پیاپی گردانید و آب دیده مرا جاری کرد و ناله و فغان و حزن را از سینه من بیرون آورد و بلاها را بر من پیاپی گردانید و بلاها را بر من متصل گردانید؛ صدیر گفت چون حضرت را به آن حالت مشاهده کردیم عقل های ما پرواز کرد و واله و حیران شدیم و دل های ما از آن جزع نزدیک بود پاره گردد و گمان کردیم آن حضرت را زهر داده اند، یا آن که بلیّه عظیمی از بلاهای دهر بر او حادث شده است؛ پس عرض کردم که ای فرزند بهترین خلق، خدا هرگز چشم تو را گریان نگرداند چه حادثه ای تو را گریان گردانیده و چه حالت روی داده است که چنین ماتم گرفته ای؟ پس آن حضرت از شدت غصه و گریه، آه سوزناک از دل غمگین برکشید و فرمود که من در صبح این روز نظر در کتاب جفر نمودم و آن کتابی است مشتمل بر علم منایا و بلایا و در آنجا مذکور است بلاهایی که بر ما می رسد و در آنجا علم گذشته و آینده هست تا روز قیامت و خدا آن علم را مخصوص محمد صلی الله علیه و آله و سلم و ائمه علیهم السلام

بعد از او گردانیده است، نگاه کردم در آنجا ولادت حضـرت صاحب الامر و غیبت آن حضـرت و طول غیبت و درازی عمر او را و ابتلای مؤمنان را در زمان غیبت و بسیار شدن شک و شبهه در دل مردم از جهت طول غیبت او و مرتد شدن اکثر مردم در دین خـود و بیرون کردن ریسـمان اسـلام از گردن خود که حق تعـالی در گردن بنـدگان قرار داده است از این رو حزن بر من غالب شده است.»

اگر تحیر و تفرقه و ابتلای شیعه در ایام غیبت و تولد شـکوک و شبهات در قلوب ایشان سبب گریستن امام صادق علیه السلام پیش از وقوع آن و بردن خواب از چشم هـای مبـارکش شود، پس مؤمن مبتلای به آن حادثه عظیم، غرق شـده در آن گرداب بی کرانه تاریکِ موّاج سـزاوارتر است به گریه و زاری و ناله و بی قراری و حزن و اندوه دائمی و تضرع به سوی حضرت باری جلّ و اعلی.

گریسـتن و گریانیـدن و خود را به گریه کننـدگان شبیه نمودن به خـاطر فراق آن حضـرت به جهت مصـیبت هـا و محنت هـا و اندوه هایی که به ایشان رسیده است در روایات متعددی مطرح شده است؛ از جمله این

مطلب که در کتاب بحارالانوار آمده که حضرت امام صادق علیه السلام می فرمایند:

«هر کس ما را یاد کند یا نزد او یاد شویم پس از چشمش به اندازه بال پشه ای اشک بیرون آید خداوند گناهانش را می آمرزد، هر چند که همچون کف دریا باشد.»(۱)

و در دعای ندبه این چنین آمده که:

«هَل مِن مُعینٍ فَأُطیلَ مَعه العَویلَ وَ البُکاءَ هَل مِن جَزُوعٍ فَأُساعِدَ جَزَعَه... ؛آیا کسی هست، که من اشک هایم را به گریه هایش پیوند بزنم؟ آیا کسی هست که من، غریبانه سر بر شانه هایش بگذارم و های های بگریم؟ آیا شعلهٔ هیچ چشمی، هم زبان اشک های من خواهد شد؟...»(۲)

تعیین وقت قبلی ممنوع

حکمت الهی بر این است که وقت ظهور صاحب الامر را پیش از فرا رسیدن آن، از بندگانش مخفی بدارد، چون که علم به آن از اسرار الله است که از خلق خود مستور داشته

۱- بحار الانوار، ج۴۴، حدیث ۳، ص۲۷۸.

۲- مفاتیح الجنان (ترجمه سیدمهدی شجاعی).

است. در کتاب کافی از ابوبصیر نقل شده که گفت: از حضرت امام صادق درباره حضرت قائم علیه السلام پرسیدم، فرمود: وقت گذاران دروغ می گویند. ما خاندانی هستیم که وقت را تعیین نکنیم.

دروغگو

شیعیان امامیه معتقد هستند که با فوت «شیخ جلیل علی بن محمد سمری» وکالت منقطع شده و نیابت خاصه پایان یافته است، «شیخ سمری» چهارمین نفر از نواب اربعه است که در زمان غیبت صغری مرجع شیعیان بوده اند و پس از درگذشت آن جناب تا زمان ظهور حضرت مهدی(عج) به هیچ وجه نائب خاصی از آن حضرت در میان شیعیان نخواهد بود و مرجع شیعیان در زمان غیبت کبری، علمای عامل هستند که حافظ احکام الهی می باشند و هر کسی نیابت خاصه را ادعا کند، دروغ گو و مردود است.

نمازی با صد إِیَّاکَ نَعْبُدُ وإِیَّاکَ نَسْتَعِین

نماز حضرت ایشان علیه السلام دو رکعت است، در هر رکعت سوره حمد را تا «إِیَّاکَ نَعْبُدُ وإِیَّاکَ

نَسْتَعِین» می خوانی، سپس صد بار می گویی «إِیَّاکَ نَعْبُدُ وإِیَّاکَ نَسْتَعِین»، آنگاه سوره حمد را ادامه می دهی و بعد سوره توحید را یک بار می خوانی و رکعت دوم را هم با همین ترتیب می خوانی و در پایان نماز می گویی:

«الهی عَظُمَ البلاءُ و انکَشَفَ الغِطاءُ و ضاقَتِ الارضُ بما وَسِعَتِ السماءُ و الیکَ یا رَبَّ المُشتَکی و علیک المُعَوَّلُ فی الشدهِ و الرخاءِ اللهم صَلِّ عَلَی مُحمدٍ و آل محمد الذین أَمَرتَنا بِطاعَتِهم وَ عَجِّلِ اللهم فَرَجَهُم بقائمِهِم و اَظهِر إعزازَهُ یا محمدُ یا علیُ یا علیُ یا محمدُ إکفِیانی فَإِنَّکُما کافِیای یا محمدُ یا علیُ یا علیُ یا محمدُ اُنصُرانی فَإِنَّکما ناصِرای یا محمدُ یا علیُ یا علیُ یا محمدُ إحفِظانی فَإِنَّکُما حافظای یا مولایَ یا صاحبَ الزمانِ الغَوث الغوث الغوث اَدرِکنی اَدرِکنی اَدرِکنی اَلأمان اَلأمان اَلأمان.»(۱)

ص:۸۳

۱- جمال الاسبوع، ص ۲۸۰، فصل ۲۹؛ همچنین تمام این مطلب در مفاتیح الجنان ص۷۴ تحت عنوان نماز حضرت صاحب الزمان درج شده است.

به یاد او و برای تو

صدقه دادن برای سلامتی حضرت از نشانه های مودت و دوستی حضرت و ولایت اوست و آنچه در مدح صدقه دادن به نیابت از سایر مؤمنین وارد گردیده بر خوبی و رجحان آن دلالت دارد، چون که مولای مؤمنین، افضل افراد آنان است و صدقه دادن از سوی او، از صدقه دادن به نیابت از آنان بهتر و برتر می باشد.

نیز سید بزرگوار علی بن طاووس در کتاب کشف المحجه، فرزندش را سفارش و امر کرده به انجام اموری که مربوط به آداب و وظایف او نسبت به مولایمان صاحب الزمان علیه السلام تا آنجا که گفته:

«پس در پیروزی و وفاداری و تعلق خاطر و دلبستگی نسبت به آن حضرت علیه السلام به گونه ای باش که خداوند و رسول او و پدران آن حضرت و خود او از تو می خواهند و حوائج آن بزرگوار را بر خواسته های خود مقدم بدار، هنگامی که نمازهای حاجت را به جا می آوری و صدقه دادن از سوی آن جناب را پیش از صدقه دادن خودت و عزیزانت قرار ده و دعا برای آن حضرت را مقدم بدار بر دعا کردن

ص:۸۴

برای خودت و نیز در هر کار خیری که مایه وفای به آن حضرت است آن بزرگوار را مقدم بدار که سبب می شود به سوی تو توجه فرماید و به تو احسان نماید.»(۱)

در رجحان و استحباب صدقه دادن برای سلامتی حضرت نیز تردیدی نیست، نظر به این که این کار از گونه های مودت نسبت به قربی و بستگان پیغمبر است که خداوند بندگانش را در کتاب خود به آن امر فرمود: «قُل لا أَسْئَلُکُمْ عَلَیْهِ أَجْراً إِلَّا الْمَوَدَّهَ فِی الْقُرْبی؛(۲) بگو: بر این رسالت مزدی از شما، جز دوست داشتن خویشاوندان، نمی خواهم.» نمی بینی که هر گاه فرزندت یا کسی از عزیزانت را دوست می داری و بر او بیمناک هستی به قصد سلامتی او صدقه می دهی؟ پس مولای تو از هر کسی به این امر سزاوارتر است.

حج رفتن به نیابت از حضرت و فرستادن نایب تا از طرف آن جناب حج نماید؛ زیارت مشاهد و حج رفتن به نیابت از بزرگواران معصوم بین شیعیان در روزگار قدیم متداول و

۱- کشف المحجه، فصل ۱۵۰، ص۱۵۱ _ ۱۵۲.

۲- سوره شوری، آیه ۲۳.

مرسوم بوده و بر خوبی این عمل چندین روایت ذکر گردیده از جمله: شیخ صدوق در کتاب من لایحضره الفقیه از امام صادق آورده علیه السلام که از آن حضرت سؤال شد درباره شخصی که از سوی دیگری حج بجا آورد آیا چیزی از اجر و ثواب برای او هست؟ فرمود:

«برای کسی که از سوی دیگری حج بجا می آورد، اجر و ثواب ده حج هست و او، پدر، مادر، پسر، دختر، برادر، خواهر، عمو، عمه، دایی و خاله اش آمرزیده می شوند، خدای تعالی رحمتش وسیع و او کریم است.»(۱)

و آنچه بر استحباب طواف کردن از سوی امام زنده به طور خاص دلالت دارد روایتی است که مرحوم کلینی در کتاب کافی از موسی بن القاسم آورده است. او می گوید به امام جواد علیه السلام عرض کردم: می خواستم از سوی شما و پدر شما طواف کنم؛ به من گفته شد به نیابت از اوصیا طواف کردن درست نیست، آن حضرت علیه السلام به من فرمود:

بلکه هر قدر که توانستی طواف کن که آن جایز است؛ سپس بعد از سه سال به آن

۱- من لایحضره الفقیه، ج۲، حدیث۹، ص۲۲۲ _ ۲۲۳.

حضـرت عرضه داشـتم: پیش از این از شـما اجازه خواسـتم که از سوی شـما و پـدرتان طواف کنم به من اجازه فرمودیـد، پس آنچه خـدا خواسـته بود از شـما و پـدرتان طواف کردم، سـپس چیزی بر من گـذشت و به آن عمـل کردم، فرمود: آن چه بود؟ عرض کردم: روزی از طرف رسـول خـدا طـواف نمودم آن حضـرت سه مرتبه فرمود: درود خـدا بر رسول خـدا، عرض کردم: روز دوم از طرف امیرالمؤمنین علیه السـلام و روز سوم از طرف امام حسن و روز چهارم از طرف امام حسـین و... و روز نهم از طرف پـدرت علی بن موسـی الرضا و روز دهم از طرف شـما ای آقای من! طواف کردم و اینان هسـتند کسانی که به ولایتشان خداونـد را دینـداری می کنم؛ فرمود: بنابراین به خدا سوگند خدای را دینداری می کنی به دینی که جز آن را از بندگان نمی پذیرد، عرض نمودم: و چه بسا از طرف مادرت فاطمه علیها السـلام طواف کردم؛ فرمود: این طواف را بسیار کن که ان شاء الله بهترین عملی است که تو انجام داده ای.

امام صادق علیه السلام در مورد خدمت به حضرت مهدی می فرمایند: «و اگر دوران او را دریابم

ص:۸۷

تمام مـدت زندگانیم او را خدمت خواهم کرد». از این سـخن حضـرت علیه السـلام معلوم می شود که اهتمام به خدمت کردن حضرت قائم برترین طاعات و بالاترین وسایل تقرب به خداوند است.

و در خصوص توجه و خدمت به دوستان اهل بیت در کتاب من لایحضره الفقیه آمده که امام صادق علیه السلام فرمودند:

«هر کس نتواند ما را صـله نماید، باید صله کند دوستان (شیعیان) صالح ما را که ثواب صله، برای او نوشته می شود و هر کس نتواند ما را زیارت کند، صالحین از دوستانمان را دیدار نماید ثواب زیارت ما برایش نوشته می شود.»

در کتاب کافی از امام صادق علیه السلام روایت شده که فرمودند:

«یک درهم که با آن امام علیه السلام صله شود از دو میلیون درهم در سایر کارهای نیک بهتر است.»

صله امام علیه السـلام در زمان غیبت، با مصرف کردن مال در مصارف و مخارجی که می داند آن حضرت علیه السلام به آنها رضایت دارد و محبوب اوست با قصد صله او انجام می گیرد. مانند چاپ

ص:۸۸

کردن کتاب های مربوط به آن حضرت، و برپا کردن مجالس یادآوری آن جناب و دعوت به او، صله شیعیان و دوستانش به خصوص سادات علوی، علمای ترویج دهنده شرع اسلام، راویان احادیث و ائمه طاهرین و مانند این ها.

خوشحال کردن مؤمنین مایه سرور و خرسندی مولایمان صاحب الزمان علیه السلام می باشد و خوشحال کردن مؤمنین، گاهی با کمک مالی به آنها انجام می گیرد و گاهی با برآوردن حوائج و برطرف کردن غصه های آنان و با وساطت و شفاعت در حق ایشان و به وسیله دعا کردن در حق آنان و احترام نمودن آنها و گاهی با یاری خاندان و فرزندان ایشان و نیز با قرض دادن به آنان یا به تعویق طلب قرض هایی که بر عهده آنها است و یا به غیر این ها از گونه های خرسند نمودن مؤمنین.

فصل هفتم: متولیان عصر غیبت

اشاره

ص:۹۱

هر کس این کار را نکند، لعنت خدا بر او

در کتاب کافی از پیغمبر اسلام صلی الله علیه و آله و سلم نقل کرده است که فرموده اند:

«هر گاه بدعت ها در امت من ظاهر شد پس باید که عالم دانش خود را آشکار نماید که هر کس این کار نکند، لعنت خدا بر او خواهد بود.»(۱)

ائمه علیهم السلام تکلیف ما را در زمان غیبت و عدم دسترسی به امام معصوم مشخص کرده و به ما امر فرموده اند که به فقهای جامع الشرایط مراجعه کنیم. چنان که در روایتی که امام حسن عسکری علیه السلام از امام صادق علیه السلام نقل می کند، چنین می خوانیم:

۱- اصول کافی، ج۱، باب البدع، حدیث ۲، ص۷۰.

«اما هر یک از فقها که نفس خود را بازدارنده، دین خود را نگهدارنده، هوای خود را پس زننده و از اوامر مولای خود اطاعت کننده بود، بر مردم لازم است که از او پیروی کنند و تنها بعضی از فقهای شیعه هستند که از این صفات برخوردارند نه همه آنها.»(۱)

ولایت فقیه

روایات متعددی از ائمه علیهم السلام در مورد اینکه در دوران غیبت باید از فقهای جامع الشرایط تبعیت نمود، فقهایی که از هوای نفس تبعیت نکرده و مطیع اوامر الهی باشند و تقوی پیشه سازند، در کتب روایی واد شده است.

بر اساس قرآن کریم،(۲) حاکمیت از آن خداوند متعال است و کسانی که خداوند به آنان اذن حکومت داده است که پیامبر و ائمه باشند و ائمه نیز حاکمیت در عصر غیبت را به علماء و فقهای دینی افاضه نموده اند و فرموده اند: اینان حجت ما بر شما و ما حجت خدا بر ایشان هستیم، لذا ولایت مطلقه برای

۱- وسائل الشیعه إلی تحصیل مسائل الشریعه، ج۸، حدیث ۲۰، ص ۹۵.

۲- سوره نساء، آیه ۵۹.

فقیه می باشد و اطاعت از ولی فقیه اطاعت از ائمه است و سرپیچی از دستورشان، سرپیچی از فرامین معصومین است.

ص:۹۴

کتابنامه

۱.قرآن کریم

۲.نهج البلاغه

۳.مفاتیح الجنان

۴.آقاداوودی، سیدکریم، دیدار با امام زمان، قم: صاحب الامر، ۱۳۸۲ش.

۵.ابن قولویه، کامل الزیارات، نجف: مرتضوی، ۱۳۵۶ ق.

۶.بحرانی، سید هاشم، غایه المرام، بیروت: موسسه التاریخ العربی، ۱۴۲۲ق.

۷.پیغان، نعمت الله، عوامل و موانع انسجام اسلامی از دیدگاه قرآن کریم، قم: بوستان کتاب، ۱۳۸۶ش.

۸.جمعی از نویسندگان مجله حوزه، چشم به راه مهدی (عج)، قم: بوستان کتاب، ۱۳۷۵ش.

۹.سید بن طاووس، جمال الاسبوع بکمال العمل المشروع، تهران: آفاق، ۱۳۷۱ش.

۱۰.__________، کشف المحجه لثمره المهجه، قم: بوستان کتاب، ۱۳۷۵ش.

۱۱.__________، مهج الدعوات و منهج العبادات، قم: دار الذخائر، ۱۴۱۱ ق.

۱۲.شفیعی سروستانی، ابراهیم، «انتظار، بایدها و نبایدها»، چاپ دوم: پیام تهران، ۱۳۸۴ش.

۱۳.شیخ صدوق، خصال، قم: جامعه مدرسین، ۱۳۶۲ش.

۱۴.__________، کمال الدین و تمام النعمه، چاپ دوم، تهران: اسلامیه، ۱۳۹۵ ق.

۱۵.__________، من لایحضره الفقیه، قم: ناشر: جامعه مدرسین، ۱۴۰۴ ق.

۱۶.طبرسی نوری، میرزا حسین، النجم الثاقب، تهران: علمیه اسلامیه، بی تا.

۱۷.عاملی، شیخ حر، تفصیل وسائل الشیعه إلی تحصیل مسائل الشریعه، محدث عاملی، قم: آل البیت، ۱۴۰۹ ق.

۱۸.قمی، شیخ عباس، منتهی الامال، قم: هجرت، ۱۳۶۸ش.

۱۹.کلینی، محمد بن یعقوب، اصول کافی، قم: اسلامی، ۱۳۷۲ش.

۲۰.مجلسی، محمدباقر، بحار الأنوار الجامعه لدرر أخبار الأئمه الأطهار، تهران: اسلامیه، بی تا.

۲۱.محمد بن نعمانی، الغیبه، تبریز: المکتبه الصابری، ۱۳۸۳ق.

۲۲.موسوی، سیدمحمدتقی، مکیال المکارم، قم: المطبعه العلمیه،۱۳۹۸ق.

۲۳.مهدی پور، علی اکبر، چهل حدیث پیرامون یوسف زهرا؛ موسسه نشر و مطبوعات حاذق، ۱۳۷۲ش.

۲۴.همدانی، صدر الاسلام، تکالیف الانام فی الغیبه الانام، تهران: بدر، ۱۳۶۱ش.

ص:۹۶

پیوست ها

اشاره

ص:۹۷

پیوست یک: زندگی نامه روحانی شهید تاسوکی

حضرت حجت الاسلام و المسلمین نعمت الله پیغان

گـل دارالولایه سیسـتان، شـهید نعمت الله پیغان سال ۱۳۵۴ در زابـل دیـده به جهـان گشود. او را نعمت الله نـام نهادنـد چرا که نعمت خـدا به خانواده پیغان بود. این افتخار برای نعمت الله پیغان بس که خداوند او را در دامن مادری مؤمنه آفرید. نعمت الله دست پرورده خانواده ای است که همه همّ و غم خود را تربیت فرزندان قرار دادند.

نعمت الله همه سـختی ها و رنـج های پدر و مادر را دیده بود و می دانست که از او چه می خواهند. دوران ابتدایی و راهنمایی را با موفقیت گذراند. اما درس و مدرسه معمولی او را راضـی نمی کرد. به حوزهٔ علمیهٔ امام صادق علیه السـلام زابل وارد شد. چشمهٔ گوارای علوم نبوی صلی الله علیه و آله و سلم و علوم علوی علیه السلام عطش نعمت الله را بیشتر کرد.

نعمت الله برای رفع این عطش معنوی راهی بارگاه رضوی علیه السـلام شد. مدت ۸ سال از بحر علوم رضوی علیه السلام توشه برگرفت. وقتی کارشناسی

علوم قرآن و حدیث را از دانشگاه رضوی گرفت، خیلی ها او را به کار تشویق می کردند. ولی او در لایتناهی این مسیر، نوری یافته بود که کار و زندگی معمولی او را به آن سرانجام نمی برد.

نعمت الله در کنار آموختن علوم، به تهذیب نفس و کسب معارف اخلاقی و فضایل معنوی روی آورد. عشق و عطش زایدالوصف، او را به بارگاه کریمهٔ اهل بیت حضرت معصومه علیها السلام نیز کشاند.

نعمت الله با عزم تحصیل در سطح خارج فقه و اصول و کسب فیض از محضر علمای اسلام وارد حوزهٔ علمیه قم شد. سال ۱۳۸۲ در مقطع کارشناسی ارشد علوم قرآن وحدیث شهرری پذیرفته شد.

نعمت الله، حالا روحانی وارسته ای بود که می بایست آموزه های مکتب اهل بیت علیهم السلام را به دیگران نیز می آموخت. کوی به کوی و شهر به شهر طی مسیر کرد و همچون چراغی برافروخته در اقصی نقاط کشور را به انوار تابناک قرآن و حدیث، نورانی نمود.

نعمت الله در آخرین مأموریت تبلیغی به منطقهٔ سیستان زادگاه خود، در شامگاه

۲۵/۱۲/۱۳۸۴ هدف کینهٔ دشمنان واقعی اسلام قرار گرفت و مزد سال ها تعبد و تلمذ در محضر قرآن و اسلام را با نوشیدن شهد شیرین شهادت گرفت.

گلزار شهدای حضرت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلم شهر ادیمی بر شهید پیغان آغوش گشود و او را بر سفره ارتزاق عند الرب میهمان برادر و دوستان شهیدش کرد.

ص:۱۰۰

پیوست دو: فاجعه تاسوکی چه بود؟

عقربه های ساعت، ۲۰:۴۵ شامگاه پنج شنبه ۲۵ اسفند ۱۳۸۴ را نشان می دادند و دشت تاسوکی، واقع در میانه جاده زابل ــ زاهدان، آبستن حادثه ای تلخ و جانگداز بود.

خفاشانی که هویت اشرار داشتند و با گرفتن جیره از صهیونیسم و استکبار، ننگ سرسپردگی به پیشانی زده بودند، از نقطه صفر مرزی، در استتار رمل و تپه های ماهور و درختچه های گز شدند. آنان پس از طی مسافتی، در دوازده کیلومتری مرز ایران ــ افغانستان، در محور زابل ــ زاهدان و در فاصله چهارده کیلومتری «پاسگاه تاسوکی» ایجاد راه بندان نموده و با لباس مبدل نیروی انتظامی و استتار چهره، اقدام به توقف خودروهای عبوری کردند تا با هدف اسارت و ترور شهروندان، و بر پا کردن فتنه ای قومی ــ مذهبی، مدال مزدوری را از اربابانشان دریافت دارند.

بدین منظور خودروهای عبوری را متوقف

ص:۱۰۱

نموده و با جداسازی زنان و مردان، به تفکیک فارس و بلوچ و شیعه و سنی، در مقابل چشمان وحشت زده زنان، فریاد بیقراری مادران سپید گیسو و گریه های کودکان حیرت آلود، مردان و جوانان و نوجوانان بی گناه را _ تنها بدان دلیل که غیر بلوچ یا شیعه بودند _ با شنیع ترین و فجیع ترین وضع ممکن به حدود یکصد و پنجاه متری جاده اصلی و در کناره خاکریز، هدایت کردند.

تروریست ها سپس، چشم و دست و دهان قربانیان را بستند؛ آنان را به فاصله حدود یک متر از یکدیگر قرار دادند و بیرحمانه زیر رگبار گلوله گرفتند. سپس با بهره گیری از دوربین های فیلمبرداری از این صحنه کشتار جمعی تصویر گرفتند تا با فروش و ارائه آن به اربابان و رسانه های خارجی، مزد شقاوت و بیرحمی و خوش خدمتی خویش را دریوزه کنند.

به گفته شاهدان _ و نیز کارشناسان _ تعداد تروریست ها در جاده و پشت خاکریز، بین بیست تا سی نفر نفر بوده که از القاب "سرهنگ" و "سروان" در مکالمات درون گروهی خود استفاده می نمودند. تعداد

ص:۱۰۲

دیگری از اشرار نیز در سایر نقاط منطقه پراکنده بودند و نظارت و پشتیبانی این عملیات کور و ننگ آور را به عهده داشتند. این گروه شرور که نام «جندالله» را برگزیده و سرکرده خویش (عبدالمالک ریگی شرور) را امیر المؤمنین می خواندند (!!) چنان در جهل و نادانی دست و پا می زدند که هنگام زدن تیر خلاص به مردم بی گناه «بسم الله» گفته و پس از اطمینان از شهادت آن کبوتران سرخ بال حسینی، با گفتن «الله اکبر» افتخار و خشنودی شان را از این جنایت ابراز می کردند.

این قتل عام هولناک، حدود یک ساعت به درازا کشید و به شهادت بیست و دو تن از محبان اهل بیت علیهم السلام اعم از دانش آموز، کارمند، کارگر، دانشجو، طلبه، خبرنگار، سرباز و کاسب انجامید؛ ضمن اینکه شش نفر زخمی شدند و هفت شیعه مظلوم نیز به گروگان گرفته شدند؛ و نام «شهادتگاه تاسوکی» را برای همیشه بر لوح تاریخ منطقه حک نمودند.

آنانکه در این فاجعه، به عرشیان پیوستند، در فرش اینگونه نامیده می شدند:

۱. نعمت الله پیغان

ص:۱۰۳

۲. غلامرضا سرگلزائی

۳. محمود سرگزی

۴. منوچهر حیدری

۵. جواد روح الله طیبی

۶. جابر قویدل

۷. محسن ذوالفقاری

۸. صادق کیخا

۹. مهدی کیخا

۱۰. حمید کیخازاده

۱۱. مجتبی کیخائی

۱۲. مهدی گرگ

۱۳. امیر واعظی

۱۴. محمدحسین واعظی

۱۵. علیرضا قیصری

۱۶. مهدی نوری

۱۷. عیسی کوهستانی

۱۸. حسین صیادی

۱۹. مسلم لک زایی

۲۰. مهدی نجفی

۲۱. باقر فتوت

۲۲. محبعلی یوسفی

در هیچ مرام، مسلک، عقیده و مذهبی، کشتن نوجوان معصوم چهارده ساله و نو داماد

ص:۱۰۴

بی گناه بیست ساله، مایه مباهات و سرافرازی نیست. چگونه ممکن است افرادی آن قدر در برزخ شقاوت و سنگدلی فرو غلتند که فرزندی را در مقابل پیکر لرزان مادری سپیدمو، پدری را در برابر بهت نگاه فرزندی ترسان، چشم و دست و پا بندند و در آستانه سال نو و اربعین شهدای کربلا، پیکرشان را به زخم باران تیر، از هم بدرانند و آنگاه بر جنازه چاک چاکشان ندای تکبیر سر دهند!

به راستی... أین تذهبون؟

خون آشامان، پس از آنکه عطش شیطانی خویش را با خون حسینیان فرونشاندند، هفت تن از شیعیان مظلوم دیگر را نیز چشم و دست بسته بر مرکب نشاندند و با خود به گروگان بردند، تا عاشورای تاسوکی، بدون "به اسارت رفتگانِ زینبی" غروب نشود:

۱.خدابخش باغبانی

۲.علی پورشمسیان

۳.خدابخش سرگزی

۴.شهید محمد شاهبازی

۵.رضا لک زایی

۶.مجید نجار

۷.امیر هراتی

ص:۱۰۵

این گروگـان ها، بین ۶۰ تا ۲۰۰ روز در اسارت دژخیمان باقی ماندنـد؛ و تروریست ها در این فاصـله، حتی نتوانسـتند کبوتران محبوس را نیز تحمل کنند و یکی از آنان را به کاروان شهداء رساندند....

چگونه می توان شـرح هجران جگرهای آتش گرفته زنان و کودکان چشم انتظار و مردان به خاک و خون غلطیـده سیسـتان را در شهادتگاه تاسوکی به صحیفه جان نگاشت و از سر سوز، فریاد «بای ذنب قُتلت» و ندای سرخ یا لثارات الحسین برنیاورد...؟

وَ سَيَعْلَمُ الَّذينَ ظَلَمُوا أَيَّ مُنْقَلَبٍ يَنْقَلِبُون(۱)

۱- سوره شعراء، آیه ۲۲۷.

پیوست سه: بیشتر بدانیم

گفتنی است تا کنون آثار مختلفی درباره فاجعه تروریستی تاسوکی منتشر شده است که خوانندگان می توانند به آنها مراجعه فرمایند. از جمله این آثار می توان به موارد زیر اشاره کرد:

۱. غربت خونبار، به کوشش: کمیته علمی ستاد یادواره شهدای تاسوکی سیستان، تهران: دستان، ۱۳۸۵. این اثر، که نخستین کتاب منتشره شده در مورد شهدای مظلوم تاسوکی است به معرفی شهدای فاجعه تروریستی تاسوکی و برخی بازتاب های آن می پردازد.

۲. تاسوکی؛ خاطرات یک گروگان، رضا لک زایی، قم: بوستان کتاب، ۱۳۸۷، ۳۲۸ صفحه مصوّر. این اثر خاطرات نویسنده دربند تروریست های شرور گروهک تروریستی جندالله را به تصویر کشیده است.

۳. گروهک عبدالمالک: قطعه پازل جنگ نرم، علیرضا کیخا، قم: سپهر آذین، ۱۳۸۵، ۱۷۶ صفحه مصوّر. این کتاب به تجزیه و

تحلیل اقدامات تروریستی گروهک عبدالمالک ریگی در استان سیستان و بلوچستان می پردازد.

۴. در چنگـال عقاب: گزارشـی واقعی و مسـتند از نحوه رهگیری و فرود هواپیمای حامل عبـدالمالک ریگی، به کوشـش سـید حکمت قاضی میرسعید، تهران، مکعب، ۱۳۹۰، ۲۰۵ صفحه مصوّر. این اثر به شرح نحوه دستگیری این شرور تروریست توسط نیروی هواپیمایی ارتش جمهوری اسلامی ایران می پردازد.

همچنین برای کسب اطلاعات بیشتر می توان به پایگاه های اینترنتی زیر نیز مراجعه کرد:

۱. پایگاه اطلاع رسانی تاسوکی؛ www.tasooki.com

۲. پایگاه اطلاع رسانی موسسه فرهنگی ـ هنری عرشیان کویر تاسوکی؛www.arshiyankavir.ir

لطفاً هر گونه نظر و پیشنهادی داشتید از طریق دو پایگاه اطلاع رسانی فوق و یا به پست الکترونیکی زیر برای ما ارسال نمایید:

arshiyank avir@gmail.com

ص:۱۰۸

درباره مرکز

بسمه تعالی

هَلْ يَسْتَوِی الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ

آیا کسانی که می‌دانند و کسانی که نمی‌دانند یکسانند ؟

سوره زمر/ ۹

مقدمه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان، از سال ۱۳۸۵ هـ.ش تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن فقیه امامی (قدس سره الشریف)، با فعالیت خالصانه و شبانه روزی گروهی از نخبگان و فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

مرامنامه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان در راستای تسهیل و تسریع دسترسی محققین به آثار و ابزار تحقیقاتی در حوزه علوم اسلامی، و با توجه به تعدد و پراکندگی مراکز فعال در این عرصه و منابع متعدد و صعب الوصول، و با نگاهی صرفا علمی و به دور از تعصبات و جریانات اجتماعی، سیاسی، قومی و فردی، بر مبنای اجرای طرحی در قالب « مدیریت آثار تولید شده و انتشار یافته از سوی تمامی مراکز شیعه» تلاش می نماید تا مجموعه ای غنی و سرشار از کتب و مقالات پژوهشی برای متخصصین، و مطالب و مباحثی راهگشا برای فرهیختگان و عموم طبقات مردمی به زبان های مختلف و با فرمت های گوناگون تولید و در فضای مجازی به صورت رایگان در اختیار علاقمندان قرار دهد.

اهداف:

۱.بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام)

۲.تقویت انگیزه عامه مردم بخصوص جوانان نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی

۳.جایگزین کردن محتوای سودمند به جای مطالب بی محتوا در تلفن های همراه ، تبلت ها، رایانه ها و ...

۴.سرویس دهی به محققین طلاب و دانشجو

۵.گسترش فرهنگ عمومی مطالعه

۶.زمینه سازی جهت تشویق انتشارات و مؤلفین برای دیجیتالی نمودن آثار خود.

سیاست ها:

۱.عمل بر مبنای مجوز های قانونی

۲.ارتباط با مراکز هم سو

۳.پرهیز از موازی کاری

۴.صرفا ارائه محتوای علمی

۵.ذکر منابع نشر

بدیهی است مسئولیت تمامی آثار به عهده ی نویسنده ی آن می باشد .

فعالیت های موسسه :

۱.چاپ و نشر کتاب، جزوه و ماهنامه

۲.برگزاری مسابقات کتابخوانی

۳.تولید نمایشگاه های مجازی: سه بعدی، پانوراما در اماکن مذهبی، گردشگری و...

۴.تولید انیمیشن، بازی های رایانه ای و ...

۵.ایجاد سایت اینترنتی قائمیه به آدرس: www.ghaemiyeh.com

۶.تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و...

۷.راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی

۸.طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و...

۹.برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم (مجازی)

۱۰.برگزاری دوره های تربیت مربی (مجازی)

۱۱. تولید هزاران نرم افزار تحقیقاتی قابل اجرا در انواع رایانه، تبلت، تلفن همراه و... در ۸ فرمت جهانی:

۱.JAVA

۲.ANDROID

۳.EPUB

۴.CHM

۵.PDF

۶.HTML

۷.CHM

۸.GHB

و ۴ عدد مارکت با نام بازار کتاب قائمیه نسخه :

۱.ANDROID

۲.IOS

۳.WINDOWS PHONE

۴.WINDOWS

به سه زبان فارسی ، عربی و انگلیسی و قرار دادن بر روی وب سایت موسسه به صورت رایگان .

درپایان :

از مراکز و نهادهایی همچون دفاتر مراجع معظم تقلید و همچنین سازمان ها، نهادها، انتشارات، موسسات، مؤلفین و همه

بزرگوارانی که ما را در دستیابی به این هدف یاری نموده و یا دیتا های خود را در اختیار ما قرار دادند تقدیر و تشکر می نماییم.

آدرس دفتر مرکزی:

اصفهان -خیابان عبدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آباده ای - کوچه شهید محمد حسن توکلی -پلاک ۱۲۹/۳۴- طبقه اول

وب سایت: www.ghbook.ir

ایمیل: Info@ghbook.ir

تلفن دفتر مرکزی: ۰۳۱۳۴۴۹۰۱۲۵

دفتر تهران: ۸۸۳۱۸۷۲۲ ـ ۰۲۱

بازرگانی و فروش: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹

امور کاربران: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹